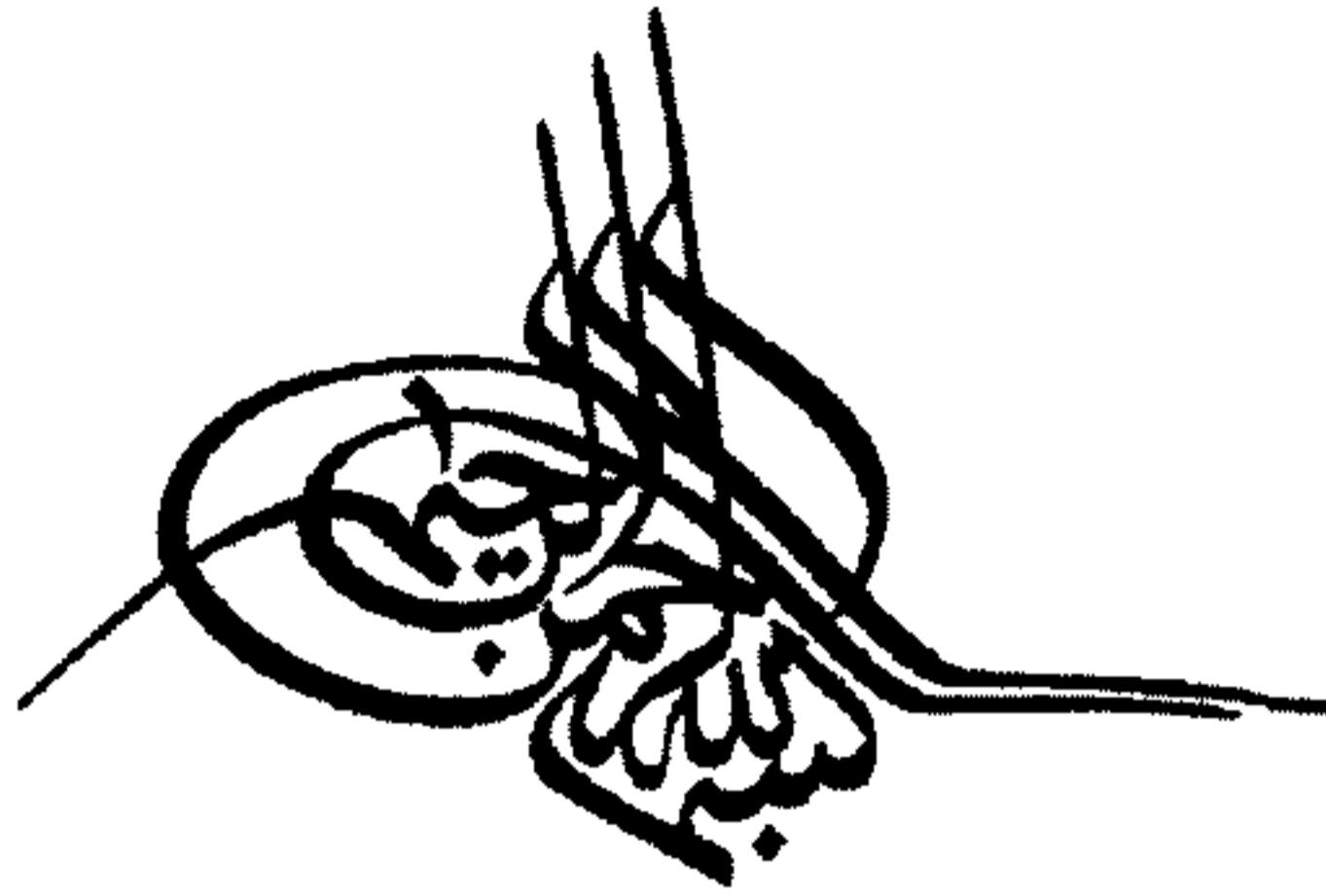




مجموعه  
روايات  
مفهوم

# روايات مفهوم



تقدیم به ساحت مقدس پدر و مادر گرامی  
حضرت مولانا صاحب الزَّمان (ع)

# **کلام مهدوی**

**مجموعه‌ای از روایات و توقیعات**

**حضرت مهدی(عج)**

عنوان و نام پدید آور : کلام مهدوی (مجموعه‌ای از روایات و توقیعات حضرت مهدی(عج))/ تهیه و تدوین: واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود

مشخصات نشر	: تهران: موعود عصر(عج)، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص.، ۲۲×۱۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۱۴۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --
توقیعات	
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --
احادیث	
شناسه افزوده	: مؤسسه فرهنگی موعود عصر(عج).
رده بندی کنگره	: BP ۲۲۴/۴
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۷۴۰۴۵

**کلام مهدوی (مجموعه‌ای از روایات و توقیعات حضرت مهدی(عج))**  
**تهیه و تدوین: گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود**  
**ناشر: موعود عصر(عج)**  
**سال و محل نشر: تهران، ۱۳۹۲**

### کلام مهدوی

انتشارات موعود      ISBN: 978-964-2918-14-0  
 قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال



تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۴ - نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۷  
[www.shop.mouood.com](http://www.shop.mouood.com)

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷ - ۱۴۱۰۵

شماره تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۴۱۲۳۵ - نمابر: ۰۲۱-۸۸۹۴۱۴۰۲

نشانی فروشگاه اینترنتی: [yaran.shop.ir](http://yaran.shop.ir)

## سخن ناشر

شانزدهمین جلد از مجموعه احادیث مهدوی را در آستانه سالروز میلاد مبارک حضرت موعود(ع)، که در بردارنده گزیده‌ای از فرمایشات گهربار آن عزیز سفر کرده و غایب از نظر است، تقدیم تمامی دوستداران حضرتش می‌نماییم. هر کلمه از عبارات این کتاب جان را از نور و برکت سرشار می‌سازد و چون برقی ساطع، شب دیجور غیبت را می‌درد تا شاید از رهگذر آن این رهگذران مانده در میانه شباهات ره به دیار مقصود برسند و با پاسداشت نهال امید در دل، انتظار فرا رسیدن بهار و شکوفایی دل‌ها روزگار بگذرانند.

این اثر را در سه بخش: ۱. سخنان حضرت بقیة الله(عج) قبل و بعد از تولد، ۲. توقیعات صادر شده از پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در غیبت صغرا و کبرا و ۳. بیانات حضرت بقیة الله در روزهای اول ظهر تقدیم ساحت مقدس حضرت موعود می‌سازیم، امید که مقبول طبع لطیفش واقع شود. ان شاء الله.

ورزد، مسلمًا خسران و زیان دو جهان، نصیبش خواهد شد.

اگر شیعیان ما، که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می‌داشتند و آن را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می‌شدند، در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آنها نسبت به ما بود. (یعنی اگر در دوستی با ما صادق بودند). آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است، گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است و خداوند تنها یاری کننده و کفایت کننده تمام کارها و امور ما و بهترین وکیل برای ماست. درودهای الهی بر روان پاک خاتم انبیاء(ص) و خاندان بزرگ و برجسته او باد».

این توقیع در روز اول ماه شوال چهارصد و دوازده نگارش [و شرف صدور] یافته است.

\* \* \*

## توقيع مبارک حضرت بقیة الله(عج) به افتخار ابی صالح خجندي

این توقيع به دليل اصرار خجندي بر یافتن و دیدار حضرت  
داشت، صادر شده و متن آن به قرار زير است:

«هر که درباره من جست و جو کند، به دنبال من آمده  
است و هر که برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن  
را به سوی من راهنمایی کرده است و هر کس که دشمن  
را به سوی من رهبری کند، جان مرا در خطر انداخته  
است و هر کس که از نظر جانی خطری متوجه من کند،  
مشارک است».

\* \* \*

## فرمان حضرت ولی عصر(ع) برای همه به وسیله جناب حسین بن روح

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيِّ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الشَّيْخِ أَبِي  
الْقَاسِمِ الْحُسَينِ بْنِ رُوحٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ عَلَى  
بْنِ عَيْسَى الْقَصْرِيِّ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ أَرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ  
شَيْءٍ. فَقَالَ لَهُ سَلْ عَمَا بَدَالَكَ.  
فَقَالَ الرَّجُلُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَينِ بْنِ عَلَىٰ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، أَهُوَ  
وَلِيُّ اللَّهِ؟

قال: نعم.

قال: أخبرني عن قاتله لعنة الله، أ هو عدو الله؟

قال: نعم.

قال الرجل: فهل يجوز أن يسلط الله عزوجل عدوه على  
وليده؟

فقال أبوالقاسم، قدس الله روحه: إفهم عنى ما أقول لك. إنما أعلم أن الله تعالى لا يخاطب الناس بشهادة العيان ولا يشافههم بالكلام ولتكن جلت عظمته يبعث لهم من أحناصهم وأصنافهم بشراً مثلكم ولو بعث إليهم رسول من غير صنفهم وصورهم لنفسوا عنهم ولم يقبلوا منهم فلما جاؤهم وكانتوا من جنسهم يأكلون الطعام ويمشون في الأسواق، قالوا لهم أنتم بشر مثلنا لا تقبلون منكم حتى تأتونا بشيء نعجز من أن نأتي بمثله، فنعلم أنكم مخصوصون دوننا بما لا تقدر عليه، فجعل الله عزوجل لهم المغارات التي يعجز الخلق عنها.

فمنهم من جاء بالطوفان بعد الأعذار والإنذار ففرق جميع من طغى وتمرد.

ومنهم من القى في النار فكانت عليه بردًا وسلامًا. ومنهم من أخرج من الحجر الصلب الناقة وأجرى من ضرعها لينا. ومنهم من فلق له البحر وفجر له من العيون وجعل له العصا الياضة تعانى تلقيف ما يألفون.

وَمِنْهُمْ مَنْ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْصَرَ، وَأَحْسَى السَّوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ وَ  
أَنْبَأَهُمْ بِمَا يَأْكُلُونَ وَمَا يَدْخُلُونَ فِي بَيْوَنِهِمْ.  
وَمِنْهُمْ مَنْ انشَقَ لَهُ الْقَمَرُ وَكَانَتِ الْبَهَائِمُ مِثْلُ الْبَعِيرِ وَالْذَّئْبِ  
وَغَيْرِ ذَلِكَ.

فَلَمَّا أَتَوَا بِمِثْلِ ذَلِكَ وَعَجَزَ الْخَالِقُ عَنْ أُمُّهُمْ مِنْ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِهِ  
كَانَ مِنْ تَقْدِيرِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالَهُ وَلَطْفَهُ بِعِبَادِهِ وَحِكْمَتِهِ أَنْ جَعَلَ  
أَنْبِيَاءَهُ مَعَ هَذِهِ الْمُعْجِزَاتِ فِي حَالٍ غَالِبِينَ وَأُخْرَى مَفْلُوِبِينَ  
وَفِي حَالٍ قَاهِرِينَ وَأُخْرَى مَقْهُورِينَ وَلَوْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِي جَمِيعِ  
أَخْوَاهُمْ

غَالِبِينَ وَقَاهِرِينَ وَلَمْ يَتَّلِهِمْ وَلَمْ يَمْتَحِنُهُمْ لَا تَخْذُلُهُمُ النَّاسُ  
الْهَمَّةُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَمَا عُرِفَ فَضْلُ صَبْرِهِمْ عَلَى الْبَلَاءِ  
وَالْمِحْنِ وَالْإِخْتِبَارِ، وَلِكِنَّهُ جَعَلَ أَخْوَاهُمْ فِي ذَلِكَ كَآخْوَالٍ غَيْرِهِمْ  
لِيَكُونُوا فِي حَالِ الْمِحْنَةِ وَالْبُلُوغِ صَابِرِينَ وَفِي حَالِ الْعَافِيَةِ  
وَالظُّهُورِ عَلَى الْأَعْدَاءِ شَاكِرِينَ، وَيَكُونُوا فِي جَمِيعِ أَخْوَاهُمْ  
مُتَوَاضِعِينَ غَيْرَ شَامِخِينَ وَلَا مُتَجَبِّرِينَ.

وَلِيَعْلَمَ الْعِبَادُ أَنَّ لَهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَهًا هُوَ خَالِقُهُمْ وَمُدَبِّرُهُمْ  
فَيَعْبُدُوهُ وَيُطِيعُوا رُسُلَهُ، وَتَكُونَ حُجَّةُ اللَّهِ ثَابِتَةً عَلَى مَنْ تَجاوزَ  
الْحَدَّ فِيهِمْ وَأَدَعَى لَهُمُ الرِّبُوبِيَّةِ، أَوْ عَانَدَ وَخَالَفَ وَعَصَى وَجَحَدَ  
بِمَا أَتَتْ بِهِ الْأَنْبِيَاءُ وَالرُّسُلُ، وَلِيَهُمْكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْنَةٍ وَيَخْسِي  
مَنْ حَىٰ عَنْ بَيْنَةٍ.

قالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): قَعَدْتُ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَينِ بْنِ رُوحٍ (فِي الْغَدِ) وَأَنَا أَقُولُ فِي نَفْسِي: أَتَرَاهُ ذَكَرَ لَنَا مَا ذَكَرَ يَوْمَ أَمْسٍ مِنْ عِنْدِ نَفْسِهِ؟ فَأَبْتَرَ أَنِّي وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ بْنَ إِبْرَاهِيمَ، لَئِنْ أُخَرَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطُفُنِي الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِي الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللَّهِ بِرَأْيِي وَمِنْ عِنْدِ نَفْسِي، بَلْ ذَلِكَ عَنِ الْأَصْلِ وَمَشْمُوعَ مِنَ الْحُجَّةِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَامُهُ<sup>۱</sup>؛

ابراهیم فرزند اسحاق طالقانی می گوید: با گروهی از جمله علی بن عیسی در خدمت جانب حسین بن روح بودیم. مردی برخاست و خطاب به حسین بن روح رضوان الله عليه، عرض کرد: سؤالی دارم.  
ایشان فرمودند: بگو.

عرض کرد: آیا حضرت حسین بن علی، علیهم السلام ولی خداوند بود؟

حسین بن روح فرمودند: آری.

عرض کرد: آیا قاتل آن حضرت (یزید) – که لعنت خداوند بر او باد – دشمن خداوند بود؟  
ایشان فرمودند: آری.

سپس عرض کرد: آیا جایز است که خداوند دشمن

۱. طبری، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۷ (ص ۴۷۱)، ط بیروت

خود را برو لی خود مسلط فرماید؟  
جناب حسین بن روح فرمودند: توجه کن و در سخنان  
من دقّت نما تا برای تو مطلب را توضیح دهم:  
بدان که خداوند بزرگ با مردم، به صورت مشاهده  
و ملاقات سخن نمی‌گوید و با چشم دیده نمی‌شود؛  
ولی ذات اقدسش پیامبرانی از نوع بشر برانگیخته است  
که همانند آنها هستند و اگر افرادی غیر از نوع بشر  
برمی‌انگیخت، مردم از آنان فرار می‌کردند و گفته آنها  
را نمی‌پذیرفتند.

پس از اینکه خداوند افرادی را مبعوث کرد و مردم  
به آنان گفتند که شما هم مانند ما هستید؛ غذا می‌خورید  
و راه می‌روید (از جهات ظاهری مانند غذا خوردن، راه  
رفتن، ازدواج و غیره شبیه به آنان بودند) و ما دعوت  
شما را بدون اینکه معجزه‌ای بیاورید (کاری که ما از  
انجام آن عاجز و ناتوان باشیم)، نمی‌پذیریم و البته پس از  
دیدن معجزات، برتری شما بر ما مسلم خواهد شد.

خداوند نیز به انبیاء، معجزات و خوارق عادات  
عنایت فرمود [که شاید آن را بتوان به «ولایت تکوینی»  
تعییر نمود].

یکی (حضرت نوح) پس از آنکه قومش را انذار و

ارشاد فرمود، در مقابل طغیان و تمرد آنان طوفانی فرا رسید که همه طاغیان و سرکشان را غرق نمود و فقط گروهی که با اوی در کشتی بودند، نجات یافتند.

در مورد دیگری (حضرت ابراهیم)، با اینکه نمرود برای سوزاندن آن سرور، بیابانی از آتش آماده کرد و آن حضرت را درون آتش انداختند، خداوند آتش را بر ابراهیم گلستان نمود.

در مورد یکی (حضرت صالح)، خداوند بزرگ برای آن حضرت و برای نشان دادن قدرت خویش، ناقه‌ای (شتری) از شکاف کوه بیرون آورد که از شیر آن استفاده می‌شد.

برای یکی (حضرت موسی)، خداوند رود نیل را شکافت و فرعون و فرعونیان را هلاک فرمود. همچنین دوازده چشمۀ از سنگی بیرون آورد و عصای خشک موسی را اژدهایی کرد که هر چه را می‌خواست می‌بلعید.

یکی (حضرت عیسی) امراض مختلفه را شفا می‌داد و با اجازه خداوند، مردگان را زنده می‌کرد و از آنچه مسردم می‌خوردند و در خانه‌هایشان ذخیره می‌نمودند، خبر می‌داد.

و برای دیگری (حضرت محمد(ص)), خداوند

بزرگ، کرۀ ماه را به دو نیم فرمود و حیواناتی مانند شتر و گرگ و غیر اینها با حضرتش سخن گفتند.

پس آنگاه که انبیاء، معجزات خود را به مردم نشان دادند و مردم از آوردن مانند آنها عاجز و ناتوان بودند تقدیر و حکم الهی این شد که فرستادگان خویش را با داشتن این همه معجزات گاهی غالب و بر دشمنان پیروز و زمانی مغلوب گرداند و در حالتی قاهر و وقت دیگر مقهور باشند و اگر در تمام این حالات و همیشه بر دشمن غالب و پیروز می‌شدند و به این گرفتاری‌ها مبتلا نمی‌شدند و در معرض امتحان الهی قرار نمی‌گرفتند، مردم آنان را به عنوان خدای خویش تلقی و انتخاب می‌کردند و فضیلت مقام صبر و برداری آنها در مقابل بلاحا و امتحانات دیده و شناخته نمی‌شد. ولی خداوند آنها را مانند دیگران قرار داد تا در وقت ابتلاء به مصایب و سختی‌ها صابر و شکیبا و هنگام عافیت و بهره‌برداری از نعمت‌ها شاکر باشند و در تمام حالات متواضعانه رفتار کنند و متکبر نباشند.

برخورد انبیاء و اوصیاء با حوادث و ابتلاء آنان به مصایب برای این بوده است که مردم بدانند این ذوات مقدسه، دارای خدایی هستند که آفریننده و مدبر آنها

است. پس باید از خداوند اطاعت کرد و فرمان پیامبران و فرستادگانش را اجرا نمود و در مقابل آنان که دعوی خدایی می‌کنند و نیز در مقابل کسانی که عناد ورزیده، آنچه را که انبیاء آورده‌اند، انکار نمودند، حجتی باشند تا اینکه به وسیله حجت‌ها و دلایل اقامه شده، منکران هلاک و افراد مطیع زنده شوند [و سرانجام راه سعادت را پیمایند].

محمدبن ابراهیم فرزند اسحاق می‌گوید: فرداًی آن روز به ملاقات جناب حسین بن روح رفتم و با خود می‌گفتم، حسین بن روح دیروز یک سلسله مطالب از طرف خود برای ما اظهار نمود. ولی چون وارد شدم [بدون هیچ سخنی و بی‌آنکه چیزی بگویم] حسین بن روح فرمودند: ای محمدبن ابراهیم! اگر به بدترین عذاب‌ها مرا شکنجه دهند، برای من بهتر است از اینکه در ارتباط با دین خداوند از نزد خود مطلبی بگویم. و تمام مطالبی که روز گذشته برای شما بیان کردم از زبان مقدس حجت و ولی خدا بود که خود مرکز همه علوم و معارف الهی هستند».

\* \* \*

توقيع مبارڪ حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشريف) به  
افتخار محمدبن على بن هلال كوخى

از جمله توقعیاتی که از طرف مقام مقدس حضرت ولی عصر،  
صلوات الله علیه، در رد غلطات شیعه و در پاسخ عریضه محمد بن  
علی بن هلال کرخی شرف صدور یافته، این توقعی است که  
ترجمه آن ذیلاً به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد:

«وَمِمَّا خَرَجَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَدًا عَلَى  
الْفُلَةِ مِنَ التَّوْقِيْعِ جَوَابًا لِكِتَابٍ كُتِبَ إِلَيْهِ عَلَى يَدِي مُحَمَّدٌ بْنٌ  
عَلِيٌّ بْنٌ هَلَالٌ الْكَرْخِيُّ:

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، تَعَالَى اللَّهُ وَ جَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَ  
بِحَمْدِهِ، لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُ فِي عِلْمِهِ وَ لَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ  
الْغَيْبَ غَيْرُهُ كَمَا قَالَ فِي مُحْكَمٍ كِتَابِهِ تَبَارَكَتْ أَسْمَاؤُهُ «قُلْ لَا  
يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ.

«وَالْأَرْضِ الْغَيْبِ إِلَّا اللَّهُ»<sup>۱</sup> وَأَنَا وَ جَمِيعُ آبائِي مِنَ الْأَوَّلِينَ،  
آدَمَ وَ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ غَيْرِهِم مِنَ النَّبِيِّينَ وَ مِنَ  
الآخِرِينَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ غَيْرُهُم مِمَّنْ  
مضى مِنَ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اجْمَعِينَ إِلَى مَبْلَغِ اِيَامِي وَ  
مِنْتَهِي عَصْرِي، عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

يَسْوُلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «وَمَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً  
ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى \* قَالَ رَبُّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى  
وَ قَدْ كُنْتُ بِصِيرًا \* قَالَ كَذِلِكَ أَتَتْكَ آيَاتِنَا فَنَسِيَّتْهَا وَ كَذِلِكَ الْيَوْمَ

امامان بزرگوار ما دارای ویژگی‌های خاصی در خلقت خود هستند که حضرت رب العالمین با این ویژگی‌ها آنان را در بین سایر فرزندان حضرت آدم(ع) برجسته و بارز نموده‌اند؛ از جمله این ویژگی‌های امام معصوم(ع)، کراماتی هستند که از معجزات حق تعالی به حساب می‌آیند، مثل سخن گفتن امام معصوم(ع) در رحم مادر، یا در هنگام تولد و دوران نوزادی.

سخن گفتن حضرت بقیة الله(عج) در رحم مادر «قالَتْ حَكِيمَةُ فَلَمْ أَزَلْ أَرْقُبَهَا إِلَى وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهِيَ نَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ لَا تَغْلِبُ جَنْبَا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَقْتَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَثَبَتَ فَزْعَةً فَضَمَّمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَسَمِّيَتْ عَلَيْهَا، فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٌ(ع) وَقَالَ: أَفْرَئَنِي عَلَيْهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأً عَلَيْهَا وَقُلْتُ لَهَا: مَا حَالُكِ؟ قَالَتْ: ظَهَرَ الْأَمْرُ الَّذِي أَخْبَرَكِ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأً عَلَيْهَا كَمَا أَمَرْتَنِي

تُنسى».<sup>۱</sup>

يا محمدبن على، قد آذانا جهلاء الشيعة و حماة هم و من دينه  
جناح البعوضة أرجح منه، فاشهد الله الذي لا إله إلا هو وكفى  
بـ شهيداً و رسوله محمد(ص) و ملائكته و انبائـه و اوليائه(ع)  
وأشهدكـ و أشهدـ كلـ من سمعـ كتابـي هذا، أنا بـريـة إـلى اللهـ وـ  
إـلى رـسـولـهـ مـمنـ يـقـولـ أناـ نـعـلمـ الغـيـبـ وـ نـشـارـكـ فيـ مـلـكـهـ أوـ يـعـلـنـاـ  
مـحـلاـ سـوـيـ المـحـلـ الـذـي رـضـيـهـ اللهـ لـنـاـ وـ خـلـفـنـاـ لـهـ أوـ يـتـعـدـيـ بـناـ  
عـمـاـ قـدـ فـسـرـتـهـ لـكـ وـ يـسـتـهـ فـيـ صـدـرـ كـتابـيـ وـ أـشـهـدـكـمـ أـنـ كـلـ مـنـ  
نـبـراـ مـنـهـ فـانـ اللهـ يـبـرـاـ مـنـهـ وـ مـلـائـكـهـ وـ رـسـلـهـ وـ اـولـيـاءـهـ.

وـ جـعـلـتـ هـذـاـ التـوـقـيـعـ الـذـيـ فـيـ هـذـاـ الـكـتـابـ اـمـانـةـ فـيـ عـنـقـكـ وـ  
عـنـقـ مـنـ سـمـعـهـ أـنـ لـاـ يـكـتـمـهـ لـأـحـدـ مـنـ مـوـالـيـ وـ شـيـعـتـيـ حـتـىـ يـظـهـرـ  
عـلـىـ هـذـاـ التـوـقـيـعـ الـكـلـ مـنـ الـمـوـالـيـ، لـعـلـ اللهـ عـزـوـجـلـ يـتـلـافـاـهـمـ  
فـيـرـجـعـونـ إـلـىـ دـيـنـ اللهـ الـحـقـ وـ يـتـهـوـنـ عـمـاـ لـاـ يـعـلـمـونـ مـنـتهـيـ  
أـمـرـهـ وـ لـاـ يـبـلـغـ مـنـتهـاـ، فـكـلـ مـنـ فـهـمـ كـتـابـيـ وـ لـاـ يـرـجـعـ إـلـىـ ماـ قـدـ  
أـمـرـتـهـ وـ نـهـيـتـهـ فـقـدـ حـلـتـ عـلـيـهـ اللـعـنـةـ مـنـ اللهـ وـ مـمـنـ ذـكـرـتـ مـنـ  
عـبـادـهـ الصـالـحـينـ؛<sup>۲</sup>

ای محمدبن على! خداوند متعال بالاتراز آن است  
کـهـ بـهـ وـصـفـ أـمـدـهـ وـ اوـ رـاـ حـمـدـ وـ ثـنـاـ گـوـينـدـ. ماـ خـانـدانـ

۱. سوره طه (۲۰). آيات ۱۲۷-۱۲۴.

۲. ضبرسى. الاحتجاج. ج ۲. ص ۴۷۳. ط بيروت.

رسالت شریک در علم خداوند و قدرت او نیستیم، بلکه غیب و علم به آن، مختص ذات پاک اوست. چنان که در قرآن مجیدش فرموده است: «ای حبیب! بگو غیب در آسمانها و زمین، مختص ذات پاک خداوند است».

من و همه آباء و اجداد گرامی ام از اولین - آدم و نوح، ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی - و از آخرين - محمد و علی و دیگر بزرگواران از ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین تا امروز که نوبت امامت به من رسیده است، همگی بندگان خدا هستیم و خداوند بزرگ در قرآنش فرموده است: «کسی که از ذکر و یاد من اعراض کند (روی برگرداند)، معیشت او ضنك و سخت بوده و در قیامت نابینا محشور خواهد شد. او می گوید: خداوند! چرا مرا نابینا محشور کردی در حالی که من بینا بسدم؟ خداوند می فرماید: تو آیات ما را تکذیب نمودی ما نیز تو را به دست فراموشی سپردم».

ای محمد بن علی! نادانان شیعه و نابخردان آنها موجبات آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می کنند و افرادی که دینشان برای آنها به اندازه یک بال مگس ارزش ندارد، باعث ناراحتی ما هستند.

من خداوند بزرگ را که خدایی جز او نیست به

شهادت می‌گیرم و البته او برای شهادت، کافی است و همچنین حبیش محمد(ص) و ملائکه و پیامبران او و نیز تو و هر کس را که فرمان من به او برسد، گواه می‌گیرم که از افرادی که می‌گویند علم غیب نزد ماست و ما در آفرینش موجودات شریک هستیم و ما را از محلی که خداوند برای ما قرار داده و راضی است، بالاتر می‌برند، بیزارم. همچنین از کسانی که از آنچه برای تو بیان کردم (بنده‌گی خداوند) و از آنچه در ابتدای نامه‌ام بدان اشاره کردم، گامی فراتر بروند، بیزارم و اینان البته گرفتار سخط و عذاب الهی خواهند بود و من تو را گواه می‌گیرم که هر کس که ما از او بیزاری جوییم، خداوند و ملائکه و فرستادگانش و اولیای الهی نیز از او بیزار خواهند بود.

[ای محمد بن علی!] این توقع را به عنوان امانت به گردن تو و هر که نامه من به او برسد، قرار دادم و مکلف هستید که محتوای این فرمان را به همه دوستان و شیعیان من برسانید. شاید خداوند متعال به آنها توفیق عنایت فرماید و در سایه بهره‌برداری از کلمات من، به سوی دین حق برگردند و از آنچه نمی‌دانند، دست بردارند. پس هر کس از شیعیان و دوستان ما از مضمون فرمان من در این توقع آگاهی یافت و به آنچه در این فرمان بیان

## کلام مهدوی

شده است، عمل نکرد، سزاوار لعنت خداوند و ملائکه و فرستادگان و اولیای او خواهد بود.

خواننده گرامی! آنچه از خلاصه این فرمان به دست می آید و باید به آن توجه داشت و عمل کرد دو اصل است:

۱. اینکه همه انسیاء و ائمه و اولیاء، بنده خدا هستند تمام قدرت‌های مادی و معنوی آنها (ولايت تکوينی و تشریعي) از آن خداوند است؛

۲. همه دوستان خاندان رسالت، بنده خداوند را برابر هر چیزی باید مقدم دارند.

حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، به این شرح درباره محمد بن علی هلال کرخی چنین دعا فرمودند. امید است دعای آن حضرت شامل حال همه ما گردد. آمين یا رب العالمین:

خداوند به اندازه شایستگی خودش درباره او نیکی فرماید. جواب ما به او و رعایت ما نسبت به پدر او که خداوند او را رحمت کند، او را به ما نزدیک گردازد. چون از نیت و باطن او با اطلاعیم و از او خشنود شدیم و بر گفت و گوی او آگاهی یافتیم. نزد خداوند برای او چیزی را گواهی می دهیم که خداوند و رسولش و اولیای او خشنود گردند و از خداوند می خواهیم که تمام آرزوهاش را در مورد خیرات دنیا و آخرت برآورده

شرماید و امور دین و دنیای او را که صلاح باشد، اصلاح فرماید. البته خداوند ولی توانا و مقتدر است».

\* \* \*

آخرین توقع حضرت بقیة الله (عج) به جناب علی بن محمد سمری (آخرین نایب خاص ایشان)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيُّ، أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ  
مَيْتَ مَا يَيْتَكَ وَبَيْنَ سِتَّهُ أَيَّامٍ. فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوْصِ إلى أَحَدٍ  
فِي قَوْمٍ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا  
بَعْدَ اذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمْدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ  
وَامْتِلاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا.

وَسَيَأْتِي إِلَيَّ شَيْئَنِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهَدَةَ. أَلَا فَمَنْ أَدْعَى  
الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَابٌ مُفْتَرٌ وَلَا  
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛<sup>۱</sup>

به نام خداوند بخشایندۀ مهربان

ای علی بن محمد سمری! خداوند بزرگ، در مصیبت درگذشت تو به برادران دینی ات پاداش عظیم عنایت فرماید. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. بنابراین،

۱. ضرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۷.

امور زندگی خود را تمام کن و هیچ کس را وصی و  
جانشین خویش قرار مده، زیرا دوران غیبت کبرا آغاز  
شده است و امر ظهور موکول به اجازه خداوند بزرگ  
است که آن هم پس از:

۱. غیبیتی بس طولانی؛
۲. قساوت دل‌های مردم و دوری آنان از حقایق؛
۳. و فراگیر شدن ظلم و جور در دنیا؛  
خواهد بود.

به زودی افرادی به سوی شیعیان من آمدند، ادعای مشاهده (نیابت خاصه) مرا خواهند کرد. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و به گوش رسیدن صبحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ گواست و [بر خدا و رسول او] افترا می‌بندد. و تمام قدرت‌ها و نیروها از آن خداوند متعال است».

\* \* \*

در انتهای بخش توقیعات، متن فرمان مبارک حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) را که توسط استوانه تقوا، جناب حاج شیخ محمد کوفی به افتخار مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی صادر شده است به شما خواننده عزیز تقدیم می‌داریم:  
**«أَرْخِضْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدُّهْلِيزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ**

النَّاسِ نَحْنُ نَنْصُرُكَ<sup>۱</sup>

خودت را در اختیار مردم بگذار و محل نشستن  
خویش را در ورودی خانه قرار بده [تا مردم سریع تر  
بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوائج مردم را برآور. ما  
تو را یاری می‌کنیم».

---

۱. جهان بعد از ظهور، ص ۸۳

## بخش سوم

### بیانات

حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء  
در روزهای اول ظهور

## أولين خطبه واعلاميه حضرت بقية الله، روحى له الفداء در روز اول ظهور

«قالَ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ  
ظَهَرَةً إِلَى النَّبِيِّتِ الْحَرَامِ مُشَتَّجِيرًا بِهِ فَيُنَادِي أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْفِرُ  
اللهَ، فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ نَبِيُّكُمْ مُحَمَّدٌ وَنَحْنُ  
أَوْلَى النَّاسِ بِاللهِ وَبِمُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَمَنْ  
حاجَنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَمَنْ حاجَنِي فِي نُوحٍ  
فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَمَنْ حاجَنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ  
بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حاجَنِي فِي مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،  
فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَمَنْ حاجَنِي فِي النَّبِيِّنَ فَإِنَّا أَوْلَى  
النَّاسِ بِالنَّبِيِّنَ، أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمٍ كِتَابِهِ «إِنَّ اللَّهَ أَضْطَفَ  
آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها  
مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>  
فَإِنَّا بِقِيَّةً مِنْ آدَمَ وَذَخِيرَةً مِنْ نُوحٍ وَمُضْطَفٍ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ

۱. سورة آل عمران (۲۲)، آيات ۲۵-۳۳.

فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأْ وَسَلَّمَ عَلَىٰ؛<sup>۱</sup>

حکیمه خاتون می گوید: طبق دستور امام حسن عسکری(ع) در شب نیمة شعبان همواره مراقب نرجس خاتون بودم. وی در خواب بود و همه چیز به آرامی می گذشت و چون نزدیک طلوع فجر شد، ناگهان [با سبب دردی شدید] با ناله از جای برخاست. ایشان را به سینه چسبانده و نام خداوند (بسم الله الرحمن الرحيم) را بر او خواندم. در این هنگام امام عسکری(ع) فرمودند که «سوره قدر بر او بخوان». من شروع به خواندن آن سوره کردم و شنیدم بچهای که در رحم نرجس است به من جواب می دهد و همراه من آن سوره را تلاوت می کند و به من سلام کرد».

\* \* \*

سخنان حضرت بقیة الله(عج) پس از ولادت «قالت حكیمة و اذا أنا بالصّبیّ(ع) ساجداً على وجهه جائياً على ركبتيه رافعاً سبابتيه نحو السماء و هو يقول: اشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن جدی رسول الله صل الله عليه و آله و آن أبي أمير المؤمنین، ثم عدّ اماماً اماماً إلى أن بلغ الى

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳.

صَفْوَةِ مِنْ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا فَمَنْ حَاجَنِي فِي  
كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، إِلَّا وَمَنْ حَاجَنِي فِي سُنْنَةِ  
رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِسُنْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَنْشَدَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي  
الْيَوْمَ لِمَا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمُ الْغَايِبِ وَأَسْأَلَكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَحْقًا  
رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى  
مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَمَنْعَتُمُونَا مِنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَخْفَنَا وَ  
ظُلِّمْنَا وَطُرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا وَيُغَيِّرُ عَلَيْنَا وَدُفِعْنَا عَنْ حَقَّنَا  
وَأَفْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَإِنَّ اللَّهَ فِينَا لَا تَخْذُلُنَا وَانْصُرُونَا  
يَنْصُرُكُمُ اللَّهُ تَعَالَى؛<sup>۱</sup>

از امام باقر (ع) روایت شده است که آن حضرت فرمودند: در روز اول ظهور، قائم ما در مکه در کنار بیت الله الحرام در حالتی که به کعبه تکیه داده است، مردم جهان را مخاطب قرار داده، چنین می‌فرماید:

ای مردم! ما آل محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در درجه اول از خداوند بزرگ و در مرتبه دوم از بندهای خداوند که جواب ما را می‌دهند یاری می‌طلبیم. [البته طلب یاری از مردم به جهت امتحان و اتمام حجت بر آنها است]. ای مردم! ما خاندان پیامبر شما هستیم و از هر کس به خداوند بزرگ و حبیش رسول الله سزاوار تریم [و از نظر مقام، برتری داریم].

۱. نعماقی، الغیب، ب ۱۴، ح ۶۷.

ای مردم! هر کس در ارتباط با حضرت آدم با من مجادله کند، بداند من از او به آدم اولی ترم و آنکه درباره با شخصیت نوح با من مجاجه کند، من بر او نسبت به نوح مقدم هستم و هر کس بخواهد در ارتباط با ابراهیم با من مجادله کند، من از او نسبت به ابراهیم برتری دارم و اگر کسی بخواهد درباره شخصیت محمد – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – با من مجاجه کند، مسلماً من نسبت به حضرت محمد از او احق و اولی [و تنها فرزند و باقیمانده او و یگانه نگهبان دین و شخصیت او] هستم و هر کس که بخواهد در ارتباط با بقیة انبیاء و فرستادگان خداوند به مجاجه با من برخیزد، من بر او نسبت به انبیاء تقدّم دارم [و جانشین اجراکنده تمام طرح‌های آنها من هستم]. آیا خداوند در قرآن مجیدش نفرموده است: «به درستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان اختیار فرموده و بعضی را بر برخی برتری داده است. و البته خداوند شنوا و دانا است»؟

پس ای مردم! من تنها باقیمانده از آدم و یگانه ذخیره نوح پیامبر و خلاصه و برگزیشه از ابراهیم و از محمد هستم که درود خداوند بر آن بزرگوار و خاندانش باد. ای مردم! بدانید آن کس که بخواهد در قرآن با من

مجادله نماید من از همه اولی تر به قرآن خداوند هستم  
[و تمام علوم و معارف قرآن و قوانین حیات بخش آن در  
نزد من است].

ای مردم! آگاه باشید هر کس که درباره سنت رسول  
اکرم(ص) [یعنی تعلیمات آن حضرت و خاندان عزیزش]  
با من مجادله کند، من اولی تر از او هستم. پس شما را  
به خداوند سوگند می دهم هر کس که امروز سخنان مرا  
می شنود آن را به آنها بی که در اینجا حاضر نیستند برساند،  
و شما را به حق خداوند و رسول او و آن حقی که من  
بر شما دارم [یعنی حق ذوالقربای پیامبر بودن] سوگند  
می دهم که ما را در حقوقمان یاری نماید و جلوی ظلم  
و ستمی را که درباره ما روا داشته اند، بگیرید؛ چه آنکه  
حقوق ما را پنهان ساختند و درباره ما ظلم کردند و از  
وطنمان آواره نمودند و نسبت به ما غدر روا داشتند  
و پیروان باطل بر ما افترا بستند. از خدا بترسید، ما را  
مخذل نکنید، بلکه یاری کنید تا خداوند شما را نصرت  
عطای فرماید.

\* \* \*

خطبہ دوم حضرت بقیة اللہ(ع) در روزهای اول ظهور  
«عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُطْبَةُ آخَرٍ مَعَ اخْتِلَافِ يَسِيرٍ ثُمَّ

يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَأْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلَامَاتُهُ وَنُورُهُ وَبَيَانُ فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نادَى بِأَغْلِي صَوْتِهِ: أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ أَيَّهَا النَّاسُ وَمَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّكُمْ وَقَدْ أَكَدَ الْمَحْجَةَ وَبَعْثَ الْأَنْبِيَاءَ وَأَنْزَلَ الْكِتَابَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَأَنْ تُحَافِظُوا عَلَى طَاعَتِهِ وَطَاعَةِ رَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَنْ تُحْيِوا مَا أَحْيَاهُ الْقُرْآنَ وَتُمْيِّزوا مَا آمَاتَ وَتَكُونُوا أَغْوَانًا عَلَى الْهُدَى وَوُزْرَاءَ عَلَى التَّقْوَى فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَّا فَنَاؤُهَا وَزَوْلُهَا وَأَذِنْتُ بِالْوَدَاعِ وَإِنِّي أَذْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، آلِهِ وَسَلَّمَ، وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَإِمَاتِهِ الْبَاطِلِ وَإِخْيَاءِ السُّنْنَةِ<sup>۱</sup>

در خطبه دیگر با اختلاف کمی از حضرت امام محمد باقر(ع) نقل شده است که آن حضرت فرمودند: مهدی ما در وقت عشاء، در حالتی که پرچم رسول خدا(ص) در دست آن سرور و پیراهن و شمشیر آن بزرگوار همراه اوست و نیز نشانه‌هایی که عبارت باشد از نور و درخشندگی جمال خاتم و قدرت بیان و سخن گفتن آن سرور، وی را همراهی می‌کند، پس از خواندن نماز عشاء، با صدای بلند فریاد می‌زند:

ای مردم عالم! شما را متذکر و متوجه خداوند متعال می‌کنم و نیز ایستادتنان را در مقابل خداوند و اینکه او

۱. الامام مهدی(ع) من المهد الى الظهور، ص ۵۱۵.

حجت خود را به وسیله ارسال پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی بر شما تمام کرده است و امر فرموده که او را به یگانگی یاد کنید و از شرک دوری ورزید و در طاعت و بندگی او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشای بشید و آنچه را که قرآن زنده نموده (قوانين حیات بخش آن را) زنده نگاه دارید و آنچه قرآن مرگ آن را اعلام فرموده است، شما نیز آن را نابود کنید و یار و مددکار هدایت و رستگاری بشید و تقوا و پرهیزگاری را نگهبان بشید. بدانید که دنیا رو به زوال و در حال وداع با همگان است و من شما را به چند اصل حیاتی دعوت می‌کنم:

۱. ایمان به خداوند بزرگ و اطاعت از دستوراتش:
۲. اعتقاد به رسول اکرم - که درود خدا بر او باد - و فرمانبرداری از آن حضرت:
۳. عمل کردن به قرآن و احکام سعادت‌بخش آن؛
۴. نابود ساختن باطل و مبارزه با آن؛
۵. زنده کردن سنت‌های از بین رفتۀ اسلام و باز گرداندن آنها به جای اولیّه خود».

\* \* \*

**«اعلامیّه جهانی» حضرت بقیّة اللہ، ارواحنا له الفدا**

خطبۀ سوم از حضرت مهدی(ع)

«عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَيِّدُنَا الْقَائِمُ مُشَنِّداً ظَهَرَةً إِلَى  
الْكَعْبَةِ وَيَقُولُ يَا مَغْشَرَ الْخَلَاتِيقِ!  
أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثَ، فَهَا أَنَا ذَا آدَمَ وَشَيْثَ.  
أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحَ وَوَلَدِهِ سَامَ، فَهَا أَنَا ذَا نُوحَ وَسَامَ.  
أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، فَهَا أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ  
إِسْمَاعِيلَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَشَمْعُونَ فَهَا أَنَا ذَا  
عِيسَى وَشَمْعُونَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،  
صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، فَهَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ  
أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَينِ فَهَا أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَالْحُسَينِ. أَلَا وَ  
مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَينِ فَهَا أَنَا ذَا الْأَئِمَّةِ أَجِيبُوا  
إِلَى مَسَأَلَتِي فَإِنَّى أَنْبَثُكُمْ بِمَا بَعْثَתُمْ بِهِ وَمَا لَمْ تَبْرُبِيهِ وَمَنْ كَانَ يَقْرَأُ  
الْكُتُبَ وَالصُّحْفَ فَلَيَسْمَعْ مِنِّي  
ثُمَّ يَبْتَدِيءُ بِالصُّحْفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ وَشَيْثَ وَيَقُولُ  
أُمَّةُ آدَمَ وَشَيْثَ هِبَةُ اللَّهِ، هَذِهِ وَاللَّهِ هِيَ الصُّحْفُ حَقًا وَلَقَدْ أَرَانَا  
مَا لَمْ نَكُنْ نُعْلَمُ فِيهَا وَمَا كَانَ خَفِيًّا عَلَيْنَا وَمَا كَانَ أُسْقِطَ مِنْهَا  
وَبُدُّلَ وَحُرُّفَ.  
ثُمَّ يَقْرَأُ صُحْفَ نُوحَ وَصُحْفَ إِبْرَاهِيمَ وَالْتَّوْرَاةَ وَالْأَنْجِيلَ وَالزَّبُورَ  
فَيَقُولُ أَهْلُ التَّوْرَاةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ هَذِهِ وَاللَّهِ صُحْفُ نُوحَ وَ  
إِبْرَاهِيمَ حَقًا وَمَا أُسْقِطَ مِنْهَا وَبُدُّلَ وَحُرُّفَ مِنْهَا. هَذِهِ وَاللَّهِ  
الْتَّوْرَاةُ الْجَامِعَةُ وَالزَّبُورُ التَّامُ وَالْأَنْجِيلُ الْكَامِلُ؛ أَنَّهَا أَضْعَافُ مَا  
قَرَأْنَا مِنْهَا.

ثُمَّ يَقُولُونَ فِي قُرْآنٍ هَذِهِ وَاللَّهُ الْقُرْآنُ حَقًا الَّذِي  
أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أُنْسِقَطَ مِنْهُ وَ  
حُرْفٌ وَبُدُّلٌ؛<sup>۱</sup>

از حضرت امام جعفر صادق(ع) نقل شده است که  
فرمودند: آقای ما قائم آل محمد پشت به خانه کعبه می‌زند  
و می‌فرماید:

ای مردم! هر کسی که بخواهد آدم و شیث را ببیند،  
باید مرا ببیند. آری، من همان آدم و شیث هستم. آگاه  
باشید! هر کس که بخواهد نوح و فرزندش سام را ببیند،  
من همان نوح و سام هستم. آگاه باشید! هر کس بخواهد  
ابراهیم و اسماعیل را ببیند، من همان ابراهیم و اسماعیل  
هستم. آگاه باشید، هر کس که بخواهد عیسی و شمعون  
را ببیند، عیسی و شمعون من هستم. ای مردم! بدانید که  
اگر بخواهید محمد و امیرالمؤمنین را ببینید، من همان  
محمد و امیرالمؤمنین هستم - که درود خداوند بر آنها  
باد - آگاه باشید! اگر بخواهید حسن و حسین را ببینید،  
من همان حسن و حسین هستم. ای مردم! اگر بخواهید  
ائمه از فرزندان حسین را ببینید، من همان پیشوایان از  
فرزندان حسین هستم [یعنی همه عزیزان و فرستادگان  
خداوند در من خلاصه شده‌اند]. پس دعوت مرا اجابت

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹.

## کلام مهدوی

کنید، برای اینکه آنچه آنها به شما فرمودند و نفرمودند من به شما خواهم گفت و شما را آگاه می‌کنم. هر کسی که کتاب‌های آسمانی را می‌خواند، پس بشنود تا برای او بخوانم.

آنگاه شروع می‌کند به خواندن صحّفی که بر آدم و شیث نازل شده است و پیروان آدم و شیث اقرار می‌کنند و می‌گویند به خدا قسم این همان صحّفی است که بر آدم و شیث نازل شده و این آقا چیزهایی به ما نشان داد که قبل نمی‌دانستیم و بر ما مخفی بود و به علاوه، کوچک‌ترین حرفی از آنها نیفتاده و تحریف هم نشده است.

سپس شروع می‌کند به خواندن صحّف نوح و ابراهیم و نیز تورات و انجیل. پس اهل تورات و انجیل و زبور می‌گویند به خدا قسم این است تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل. به درستی که بیش از آنچه ما از این کتاب‌ها خوانده بودیم، برای ما قرائت فرمودند.

آنگاه شروع به خواندن قرآن مجید می‌فرماید. پس پیروان قرآن می‌گویند به خدا قسم این همان قرآنی است که خداوند بر پیامبر ش نازل فرموده و حرفی از آن نیفتاده و همچنین تحریف و تبدیلی در آن صورت نگرفته است».

\* \* \*

از جمله سخنان حضرت قائم(ع) هنگام ظهور

«عَنِ الْمُفَضْلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ  
أَنَّهُ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ «فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ  
فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛<sup>۲۱</sup>

امام صادق از پدرش حضرت باقر، علیهمما السلام نقل

می کند که فرمودند: هرگاه قائم مسا(ع) قیام نماید برای

مردم این آیه شریفه را تلاوت می کند:

«چون از شما ترسیدم؛ بنابراین دوری اختیار کردم؛  
اما خداوند بزرگ مرا از فرستادگان خویش قرار داده و  
نیز مقام فرمانروایی و حکومت بر جهان هستی را به من  
عطای فرموده است».

\* \* \*

اولین دعای حضرت ولی عصر(عج) در روزهای اول ظهور

وجود مقدس آقا امیرالمؤمنین، سلام الله عليه،

می فرمایند: گویا می بینم فرزندم حضرت مهدی، ارواحنا

له الفداء، در ساعات اول ظهورش سوار بر مرکب از

ناحیه وادی السلام به طرف مسجد سهلة، در حالی که

نور از پیشانی مرکب سواری اش می درخشد، در حرکت

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱.

۲. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۲۱.

است و این دعا را می خواند:

«قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَنِي بِهِ قَدْ عَبَرَ مِنْ وَادِي  
السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ السَّهْلَةِ عَلَى قَرْسِ مُحَجَّلٍ لَهُ شَمْرَاخٌ يَزْهَرُ،  
يَدْعُونَ وَيَقُولُ فِي دُعائِهِ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًا حَقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَانًا وَ صَدْقًا، لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَ رِقًا اللَّهُمَّ مُعِزَّ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ حَمِيدٍ وَ مُذَلَّ كُلُّ جَبَارٍ  
عَنِيدٍ، أَنْتَ كَافِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضْيقُ عَلَى الْأَرْضِ بِمَا  
رَحِبَتْ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتَ غَنِيًّا عَنْ خَلْقِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ  
لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ. يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ مُخْرِجَ  
البَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاُهُ  
بِعِزَّهِ يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَذَلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ  
فَهُمْ مِنْ سَطُوطِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ  
فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ  
أَنْ تُسْجِلَى أَمْرِي وَ تُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَ تَكْفِينِي وَ تُعَافِيَنِي  
وَ تَقْضِي حَوَاجِي السَّاعَةِ، السَّاعَةِ، اللَّيْلَةِ، اللَّيْلَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>

خدایی جز او که حقاً آفریننده همه عالم هستی است،  
وجود ندارد: آری، او بر حق است: از روی ایمان و  
صادقانه به خداوندی او اعتراف می کنم: در کمال  
عبدیت و بندگی او را می ستایم. خداوند! تو عزت

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱

نَفْسِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ أَنْجِزْلِي وَعْدِي وَأَتِمْ لِي أَمْرِي  
وَبَيْتُ وَطَأْتِي وَأَمْلِأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا<sup>۱</sup>

حکیمه خاتون عمه گرامی امام حسن عسکری(ع)  
می فرماید: وارد اطاق مخصوص نرجس خاتون شدم،  
نوزادی را در حال سجده دیدم؛ در حالی که دو زانو  
روی به قبله نشسته و دستهای مبارکش را به سوی  
آسمان بلند کرده بود، نخست به یگانگی خداوند متعال  
و نبوت جدش، خاتم انبیاء(ص) و امامت پدر مکرمش،  
علی مرتضی امیرالمؤمنین(ع) و ائمه پس از آن حضرت  
یکی پس از دیگری شهادت داد و آنگاه برای خودش این  
گونه دعا فرمود: «خداوند! به وعدهای که به من داده‌ای،  
وفا کن و امر قیام مرا تمام فرما. قدم‌هایم را ثابت بدار و  
در سایه قیام من، جهان را پر از عدل و داد کن».

\* \* \*

سخنان مصلح جهان، امام زمان(ع) در ساعات اولیه ولادت  
«عَنْ نَسِيمٍ وَمَارِيَةَ أَنَّهُ لَمَّا سَقَطَ صَاحِبُ الزَّمَانِ(ع) مِنْ بَطْنِ  
أُمِّهِ سَقَطَ جَانِيَا عَلَى رُكْبَتِيهِ رَافِعًا سَبَابَتِيهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ  
فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: زَعَمَتِ

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۳.

دهنده هر مؤمن بی یار و تنها بی و خوارکننده هر ستمگر  
و سرکش؛ بار خدایا! تنها پشت و پناه من هنگام هجوم  
اجانب و حمله ستمگران، تویی؛ آری در زمانی که کره  
زمین با این وسعت بر من تنگ می شود، یار منحصر به  
فرد من، تو هستی؛ خداوند! تو مرا آفریدی در حالتی که  
نیازی به آفرینش من نداشتی و اگر نصرت و یاری های  
ذات مقدس تو نبود، مغلوب حوادث می شدم؛<sup>۱</sup> ای کسی  
که رحمت بی نهایت خود را از مرکز آن به تمام عالم  
وجود منتشر می سازی و برای خود را از مرکز آن خارج  
می کنی و در اختیار بندگان قرار می دهی؛ ای خداوندی  
که عظمت را مخصوص به ذات پاک خود قرار داده ای،  
بنابراین عزت اولیای الهی از عزت تو سرچشم می گیرد؛  
ای آفریننده ای که پادشاهان در مقابل قدرت تو خود را  
خوار و ذلیل می بینند و از توانایی و قدرت زوال ناپذیرت  
هر انسانکند؛ تو را بدان اسمی که همه مخلوقات و  
موجودات عالم هستی را به وسیله آن آفریدی، می خوانم<sup>۲</sup>  
و همه آنها در مقابل ذات پاک تو اعتراف و اقرار دارند؛

۱. ممکن است اشاره به حوادث زندگی پر خروش آن حضرت از ساعت اول ولادت تا زمان غیبت صغرا و کبرا و عنایات غیبی که از جانب خداوند بزرگ به آن عزیز رسیده است، باشد.

۲. اشاره به اسم مقدس اعظم یا اسماء دیگر خداوندانست که در سایه آنها جهان وجود آفریده شده است.

از پیشگاه مقدس تو استدعا می‌کنم که به روان تابناک  
جدم و خاندان عزیزش سلام و درود فرستی و:

۱. امر قیام مرا منجز فرمایی:

۲. در ظهورم تعجیل فرمایی:

۳. امور مرا خود کفایت کنی:

۴. در تمام ابعاد، عافیت نصیبم فرمایی:

۵. و خواسته‌های مرا برأورده فرمایی:

البته در همین ساعت؛ آری در همین ساعت و در  
همین شب؛ آری همین شب؛ می‌دانم که ذات پاک تو بر  
هر کاری تواناست».

در شب جمعه‌ای که قصد داشتم فردای آن شب ترجمة  
دعای ذیل (لا اله الا حَقٌّا حَقٌّا... الخ) بنویسم. وجود مقدس  
حضرت بقیة الله (ع) را در خواب دیدم. فرمودند: این دعا را از  
کجا گرفته‌ای؟ عرض کردم: از کتاب‌های مرحوم علامه مجلسی  
گرفته‌ام. فرمودند: علامه مجلسی الان نزد ما است.

گرچه این جانب (مرحوم خادمی شیرازی) تمایلی به نقل  
این مطلب نداشت. ولی بدان جهت که بیان قدر و منزلت علامه  
مجلسی. رضوان الله عليه، لازم می‌نمود و ضمناً اعتبار این دعا را  
هم که از فرمایشات خودشان است، امضاء فرمودند. مبادرت به  
نگاشتن آن نمودم و اینک ترجمة دعای حضرت بقیة الله (ع).

\* \* \*

سخنان حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء هنگام قیام  
 «عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلَىٰ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ:  
 أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «الَّذِينَ  
 إِنْ مَكَنَّا هُنْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكُوَةَ وَأَمْرُوا  
 بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَهُ عِاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>۱</sup>»  
 روایت بالا از جانب زیدبن علی نقل شده است که

فرمودند: زمانی که قائم آل محمد(ص) قیام کنند به مردم  
 چنین می فرمایند:

ای مردم! ما همان خاندانی هستیم که خداوند در قرآن  
 کریمش به شما و عده فرموده است که وقتی حکومت  
 به ایشان داده می شود «آنان در بر پا داشتن نماز و دادن  
 زکات و امر به معروف و نهی از منکر جدیت خواهند  
 نمود و البته عاقبت همه امور مخصوص به ذات پاک  
 خداوند است».

یعنی در دولت خاندان عصمت و طهارت این دسته از احکام  
 و سایر قوانین دیگر الهی به طور کامل در سطح جامعه اجرا  
 خواهد شد، و الا این دودمان پاک همیشه حتی در زندانها و در  
 حال اسارت نیز این احکام را خود به دقت اجرا می کردند.

۱. سوره حج (۲۲)، آیه ۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

**الظُّلْمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاخِبَةٌ وَلَوْاْذَنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لِزَالَ الشَّكُّ؛<sup>۱</sup>**  
 به طوری که نسیم و ماریه (از خدمتگزاران منزل امام حسن عسکری(ع)) نقل می‌کنند وجود مقدس حضرت مهدی، عجل الله فرجه الشریف، بلا فاصله پس از تولد از مادر، دو زانو رو به قبله نشسته، در حالی که انگشتان سبابه را به جانب آسمان بلند کرده بودند، عطسه‌ای کرده، فرمودند: ستایش و حمد مخصوص ذات پاک خداوند است و پس از درود بر جدشان حضرت خاتم انبیاء(ص) و دودمان گرامی ایشان، فرمودند: ستمگران پنداشتند که حجت خدا از بین رفته است، در حالی که اگر به ما اجازه سخن گفتن [از طرف خداوند متعال] داده می‌شد هر آینه تمام شک‌ها را از بین می‌بردیم».

همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، سخن گفتن نوزاد در ابتدای تولد و ستایش خداوند متعال، معرفی فرستاده او و خاندان مقدس خاتم پیامبران و اعلام نابودی ستمگران و محو پندارهای باطل آنان با هیچ‌یک از قوانین مادی و طبیعی تطبیق ندارد و همگی از خوارق عادت است.

این است معنای خلیفه و جاشین خداوند در روی زمین و داشتن ولایت مطلقه الهی بدیهی به همین معناست که این امر در

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴ به نقل از الغیة شیخ طوسی.

## کلام مهدوی

صورت اراده حضرت حق، هیچ گونه استبعادی ندارد و به نصّ  
صریح قرآن در مورد حضرت عیسی (ع) نیز اتفاق افتاده است که  
پس از تولد فرمود: «أَنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ  
جَعَلَنِي مُبَارَكًا...».<sup>۱</sup>

\* \* \*

### سخنان امام زمان (ع) هنگام ولادت

«عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَسَدٍ، قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمْرَى قَدَّسَ  
اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ: لَمَا وُلِدَ الْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَطَعَ  
نُورٌ مِّنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ» «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛<sup>۲</sup>

از غیاث بن اسد روایت شده که از جناب محمد بن  
عثمان عمری [که یکی از نواب اربعه امام زمان علیه السلام  
بوده است] شنیدم که می فرمود: هنگامی که حاجت متظر  
متولد شدند، نوری از بالای سرشان ساطع می گردید  
و حضرت عرضه می داشتند: «خداوند! به یگانگی تو  
اعتراف می کنم و گواهی می دهم که ملائكة آسمان و

۱. سوره مریم (۱۹)، آیه ۳۰: منم بنده خدا که به من کتاب داده و مرا پیامبر  
قرار داده است (ن).

۲. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶.

صاحبان علم به عدل و داد قیام می‌کنند، و نیست خدایی  
جز او که حکیم و مقتدر است. خداوند! تنها دینی که  
نزد تو اعتبار و رسمیت دارد، فقط اسلام است».

\* \* \*

### سخن گفتن حضرت بقیة الله(عج) در ساعات اوّلیه ولادت

پس از تولد امام زمان(ع)، امام حسن عسکری(ع) دست  
مبارکشان را بر سر فرزند عزیزان کشیدند و فرمودند: «فرزندم!  
به قدرت الهی سخن بگو».

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمَّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا  
فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمْكِنَ لَهُمْ فِي  
الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَحْذَرُونَ»<sup>۱</sup> وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ  
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحِدًا وَاحِدًا.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
الْمُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ الْمَذْكُورُونَ فِي الْكِتَابِ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمَّنَ  
عَلَى الَّذِينَ... إلخ» الَّذِينَ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ أَئِمَّةً نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، يَبْعَثُ

۱. سوره قصص (۲۸)، آیه ۷۵

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷

اللهُ مَهْدِيهِمْ فَيَعْزَّهُمْ وَ يُذْلِلُ أَعْدَائَهُمْ؛<sup>۱</sup>

آنگاه امام عصر(ع) پس از استعاذه از شیطان رجیم، با نام خداوند متعال آغاز به سخن فرموده، آیه شریفهای را که درباره حکومت عدل پرور جهانی آن حضرت است و بشارت می‌دهد که سلطنت و حکومت روی زمین از آن بندهای ویژه خداوند است، تلاوت فرموده، سپس بر رسول خدا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین(ع) یکی پس از دیگری درود و صلوات فرستادند. امام امیرالمؤمنین(ع) در معنی آیه شریفه «وَتُرِيدُ...» فرمودند: «این آیه درباره اهل بیت است که مهدی ایشان قیام می‌کند و دشمنان آنان را ذلیل می‌سازد و بر قامت دوستانشان لباس عزّت می‌پوشاند».

\* \* \*

سخنان حضرت صاحب الزمان(ع) در اوّلین روز ولادت «قالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَحَدَّثَنِي نَسِيمُ خَادِمُ أَبِي مُحَمَّدٍ(ع) قالَتْ: قَالَ لِي صَاحِبُ الزَّمَانِ(ع) وَقَدْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَوْلِدِهِ بِلَيْلَةٍ فَعَطَسْتُ عِنْدَهُ فَقَالَ لِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ. قَالَتْ نَسِيمُ فَقَرِختُ بِذِلِّكَ فَقَالَ لِي(ع) : أَلَا أُبَشِّرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى! قَالَ: هُوَ

---

۱. همان، ص ۱۸.

امانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ<sup>۱</sup>

نسیم خدمتکار حضرت امام حسن عسکری(ع)  
می‌گوید: یک شب پس از ولادت حضرت صاحب  
الزمان(ع) بر آن حضرت وارد شدم و هنگامی که در  
خدمت ایشان بودم، عطسه‌ای نمودم. بلا فاصله حضرت  
فرمودند: «یرحَمك الله» (خداوند تو را رحمت فرماید) و  
من از این موضوع خوشحال و شاد شدم. سپس حضرت  
فرمودند: «آیا می‌خواهی از خاصیت و اهمیتی که در  
عطسه است، تو را بشارت دهم؟» عرض کردم: بفرمایید.  
فرمودند: «عطسه تا سه روز امان از مرگ است؛ یعنی  
عطسه کننده حتماً تا سه روز زنده است».

البته علت خوشحالی نسیم خدمتکار حضرت از سخن گفتن  
نوزاد یک روزه، آن هم درباره یک مسئله اخلاقی و دستور  
مستحب و احترام به مؤمن، بر خوانندگان گرامی پوشیده  
نیست».

\* \* \*

سخنان امام عصر(ع) در خدمت پدر بزرگوارشان خطاب به  
احمد بن اسحاق و سعد بن عبدالله اشعری قمی

۱. بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۵

«تَبَا لَكَ وَلَا صَحَابِكَ، أَنْتُمْ مَعَاشِرَ الرَّوَافِضِ تَقْصِدُونَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ بِالطَّغْيَانِ عَلَيْهِمْ وَبِالْجُحُودِ لِمَحَبَّةِ النَّبِيِّ لَهُمْ، فَالصَّدِيقُ هُوَ فَوْقَ الصَّحَابَةِ بِسَبَبِ سَبَقِ الْإِسْلَامِ. لَا تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِنَّمَا ذَهَبَ بِهِ لِيَلَّةَ الْفَارِلَانَهُ خَافَ عَلَيْهِ كَمَا خَافَ عَلَى نَفْسِهِ وَلِمَا عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ الْخَلِيفَةَ فِي أُمَّتِهِ وَأَرَادَ أَنْ يَصُونَ نَفْسَهُ كَمَا يَصُونُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً نَفْسِهِ كَمَا لا يَخْتَلِ حَالُ الدِّينِ مِنْ بَعْدِهِ وَيَكُونُ الْإِسْلَامُ مُنْتَظَمًا وَقَدْ أَقَامَ عَلَيْهَا فِرَاشِيهِ لِمَا كَانَ فِي عِلْمِهِ مَقَامًا لَا جَرَمَ لَمْ يُبَالِ مِنْ قَتْلِهِ...»

... قال سعد: فلما صرنا بعد منصرفنا من حضرة مولينا(ع) من حلوان على ثلاثة فراسخ حمَّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَثَارَتْ عَلَيْهِ عِلْمَةُ صَعْبَةُ أَيْسَرٌ مِنْ حَيَاةِ بِهَا فلما وردنا حلوان ونزلنا في بعض الخانات دعا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَلْدَهُ كَانَ قَاطِنًا بِهَا ثُمَّ قال تفرقوا عنى هذه الليلة واتركوني وحدى. فانصرفنا عنه ورجع كل واحد إلى مرقدِه. قال سعد فلما حانَ أَنْ يُنَكَّشِفَ اللَّيْلُ عَنِ الصُّبْحِ اصَابَتِنِي فِكْرَةٌ فَفَتَحَتْ عَيْنِي فَإِذَا أَنَا بِكَافُورِ الْخَادِمِ، خادِمِ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ وَهُوَ يَقُولُ: أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَّاكُمْ وَخَتَمَ بِالْمَحْبُوبِ رَزِّيَّتُكُمْ، قَدْ فَرَغْنَا مِنْ غُسْلِ صَاحِبِكُمْ وَمِنْ تَكْفِينِهِ فَقَوْمُوا لِدُفْنِهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْرَمِكُمْ مَهْلًا عِنْدَ سَيِّدِكُمْ، ثُمَّ غَابَ عَنْ أَعْيُنِنَا.

فاجتمعنا على رأسه بالبكاء والنحيب والعويل حتى قضينا حقه

و فرغنا من امره، رحمه الله<sup>۱</sup>؛

سعد بن عبد الله قمی اشعری گوید: روزی بین من و  
یکی از دشمنان سر سخت امیر المؤمنین، سلام الله عليه  
صحبت و مناظرهای پیش آمد و بحث ما به جایی رسید  
که به من گفت: «مرگ بر تو و اصحاب تو! شما رافضی‌ها  
(شیعیان) مهاجران را نکوهش می‌کنید و محبت حضرت  
رسول اکرم(ص) را نسبت به آنها انکار می‌کنید و حال  
آنکه ابوبکر به جهت سبقت در اسلام و افتخار همراهی  
با آن حضرت در غار، از دیگر اصحاب آن حضرت برتر  
است و پیامبر بزرگ همان گونه که بر جان خود می‌ترسید  
در مورد او هم نگران بود، زیرا می‌دانست که ابوبکر پس  
از او خلیفه امت اسلامی خواهد شد و اگر زنده باشد،  
امر اسلام منظّم و در صورتی که کشته شود، امر اسلام  
مختل خواهد شد؛ در حالی که همان شب علی(ع) را  
در رختخواب خود خواباند، زیرا می‌دانست اگر علی(ع)  
کشته شود، امر اسلام مختل نمی‌شود و در میان صحابه  
کسانی که جانشین او باشند، هستند».

سعد بن عبد الله می‌گوید: «البته به او جواب‌هایی دادم،  
ولی ساكت نشد.

---

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲ ص ۲۶۸.



## کلام مهدوی

سپس آن مرد ناصبی به من گفت: «شما رافضی‌ها (شیعیان) می‌گویید: اولی و دومی منافقاند و در این مورد به ماجرای شب «عقبه» استدلال می‌کنید. آیا به نظر شما اسلام آن دو نفر از روی رضا و رغبت بوده یا با اکراه و اجبار ایمان آورده‌اند؟»

سعد بن عبد الله اضافه می‌کند که از پاسخ بدین سؤال احتراز کرده، با خود گفتم اگر بگوییم آن دو با رضا و رغبت ایمان آوردنند، خواهد گفت پس نمی‌توان آنها را منافق دانست و اگر بگوییم در نتیجه ترس و اجبار دین مقدس اسلام را پذیرفته‌اند، می‌گوید: در آن زمان اسلام چنین قدرتی که کسی به اکراه و اجبار به آن ایمان بیاورد، نداشت.

به هر صورت، در حالی که نزدیک بود. قلبم از حرکت باز ایستد، از وی فاصله گرفتم و متعاقباً طی نامه‌ای تعداد چهل و چند مسئله را که جوابی برای آنها نداشتم و برای من مشکل شده بودند، نوشت، با خود گفتم از جناب احمد بن اسحاق نماینده حضرت عسکری(ع) سؤال خواهم کرد و پس از اینکه برای ملاقات با ایشان رفتم، معلوم شد که به سوی سامراء حرکت کرده‌اند. من نیز به راه افتادم و در بین راه ایشان را دیده، ماجرا را با وی در

میان گذاشتم. فرمودند: با من به سرّ من رأی (سامرا) بیا  
تا این مسائل را از مولایمان حضرت عسکری(ع) بپرسیم.  
من نیز همراه ایشان به سرّ من رأی رفتم و چون بدانجا  
رسیدیم به خانه حضرت عسکری(ع) رفتیم و پس از  
کسب اجازه، توفیق شرفیابی دست داد.

احمد بن اسحاق با خود ظرفی (خورجین و مانند  
آن) داشت که در آن یکصد و شصت بدره طلا بود و  
به کسانی تعلق داشت که به ایشان داده بودند تا به امام  
حسن عسکری(ع) برساند و بر سر هر یک مهر صاحب  
پول منقوش بود.

هنگامی که وارد منزل حضرت امام حسن عسکری(ع)  
شدیم، جمال مبارک آن حضرت را که چون ماه شب  
چهارده می درخشید و پسر کوچکی که در حُسن و جمال  
همانند ستاره مشتری و روی زانوی حضرتش نشسته بود،  
زیارت کردیم. بر سر مبارک آن حضرت و در جلوی  
ایشان یک گوی طلایی که به جواهرات قیمتی آراسته و  
یکی از بزرگان بصره به آن حضرت هدیه کرده بود، قرار  
داشت. حضرت امام حسن عسکری(ع) قلمی در دست  
مبارکشان بود و بر روی کاغذ چیزی می نوشتد و گاهی  
که اراده می فرمودند، مطلبی را بنویسند و فرزند عزیزان

قلم را از دست پدر بزرگوار می‌گرفتند، امام(ع) آن گوی را به طرفی می‌انداختند و چون وجود عزیز حضرت مهدی، روحی له الفداء برای بازگرداندن آن گوی تشریف می‌بردند، پدر عالی قدرشان از فرصت استفاده فرموده، آنچه که می‌خواستند، می‌نوشتند.

سپس احمد بن اسحاق سرپوش را عقب زده، کیسه‌ها را خدمت حضرت عسکری(ع) نهاد. آن حضرت به فرزند دلیندشان فرمودند: «عزیزم! از هدایای شیعیان مُهر بردار و آنها را باز کن». حضرت مهدی(ع) [خطاب به پدر بزرگوارشان] فرمودند: «ای مولای من! آیا درست است که دست پاک [ولی خدا] به سوی اموال ناپاک و غیر حلال دراز شود؟ آنگاه حضرت فرمودند: «ای احمد بن اسحاق! آنچه در این ظرف است بیرون بیاور تا اینکه حلال و حرام را از یکدیگر جدا کنند». سپس احمد بن اسحاق کیسه‌ای را بیرون آورد. امام مهدی(ع) فرمودند: «این کیسه مربوط به فلان شخص از فلان محله قم بوده و هفتاد و دو دینار در آن است. چهل و پنج دینار آن مربوط به فروش خانه است که از ارث پدر به او رسیده و چهارده دینار آن از فروش هفت دست لباس و سه دینار آن از کرایه دکان‌ها است».

در این هنگام حضرت عسکری(ع) فرمودند: «راست می‌گویی فرزندم! این مرد را به آنچه در این مال، حرام است راهنمایی فرما». حضرت مهدی(ع) فرمودند: «در این مال، دیناری هست که در ری ضرب شده و نیمی از نقش آن از بین رفته است و سه قطعه دیگر در این کیسه وجود دارد که حرام است، زیرا صاحب آن در فلان سال و فلان ماه در نزد نساج (بافنده) ای امانتی داشت و آن شخص در همسایگی او زندگی می‌کرد. مدتی مديدة گذشت و در نتیجه اینکه دزدی دستبرد زد، آن امانت ربوده شد و با اینکه آن شخص به صاحب امانت اطلاع داد که امانتش ربوده شده است، او باور نکرد و بیش از ارزش آن امانت از او غرامت گرفت و از همان جنس پیراهنی دوخت و این پول از بهای آن پیراهن است». کیسه را چون گشودند، عیناً همان‌طور بود که حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرموده بودند.

سپس کیسه دیگری را بیرون آوردند و به محض اینکه چشم مبارک حضرت بقیة الله، امام مهدی(ع) به آن کیسه افتاد، فرمودند: «در این کیسه پنجاه دینار است و شایسته نیست که دست ما به سوی آن دراز شود». احمد بن اسحاق عرض کرد: چرا؟ فرمودند: «زیرا این پول بهای

## کلام مهدوی

گندمی است که میان صاحب آن و زارع مشترک بوده و در وقت تقسیم، صاحب گندم‌ها سهم خود را به طور کامل برداشته و سهم زارع را کمتر داده است».

امام حسن عسکری (ع) فرمودند: «ای احمد بن اسحاق! این کیسه‌ها و ظرف‌های پول را بپرس و به صاحبانشان تسلیم نما و به آنها توصیه کن که این کیسه‌ها را به صاحبان واقعی‌شان برسانند، زیرا ما نیازی به این گونه پول‌ها نداریم». سپس فرمودند: «پیراهن آن پیروز را بد»». احمد بن اسحاق می‌گوید: «آن پیراهن را در منزل فراموش کرده بودم و در نتیجه برای آوردن آن راهی منزل شدم».

سعد بن عبد الله ادامه می‌دهد: سپس مولايم حضرت عسکری (ع) نگاهی به من افکنده، سؤال فرمودند: «برای چه به اینجا آمده‌ای؟» عرض کردم: «احمد بن اسحاق مرا تشویق کرد تا به زیارت مولايم نایل شوم». فرمودند: «مسائلی را که می‌خواستی سؤال کنی و بدان خاطر به اینجا آمده‌ای چه شد؟» عرض کردم: به همان صورت باقی است. فرمودند: «از نور چشم [حضرت مهدی (ع)] پرس». آنگاه عرض کردم: «ای مولا و پسر مولای من! به طوری که برای ما روایت شده است، جد شما حضرت خاتم الانبیاء (ص) موضوع طلاق زنان خویش

را به امیرالمؤمنین(ع) و اگذار نمودند و در جنگ جمل امیرالمؤمنین(ع) طی پیامی به عایشه فرمودند: در نتیجه خطایی که مرتکب شده‌ای، امت اسلامی و اهله را به هلاکت و فرزندان اسلام را به وادی جهالت و نادانی کشیده‌ای و اگر از این عمل دست برنداری تو را طلاق می‌دهم. بفرمایید معنی طلاقی که پیامبر بزرگ ما به حضرت امیرالمؤمنین(ع) تفویض فرمودند، چیست؟

امام عصر روحی له الفداء در پاسخ سعد بن عبد الله فرمودند: «خداؤند بزرگ، مقام رسول اکرم(ص) را بسیار والا و معظم قرار داده و به منظور حفظ کیان و شخصیت آن سرور، مقام همسران آن حضرت را گرامی داشته و آنها را به مقام «امهات المؤمنین» مفتخر ساخته است».

رسول معظم اسلام به امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «یا علی! این شرف و افتخار برای همسران من تا وقتی باقی است که آنان بندگی خداوند را ترک نکرده، به مخالفت با شما برخیزند و در غیر این صورت شما آنها را طلاق بده و از مقام «امهات المؤمنین» خارج کن و این شرف و افتخار را از آنان بگیر».

... سپس عرض کرد: «ای پسر رسول خدا(ص)! از فرمایش خداوند متعال به حضرت موسی (فاطمeh نعلیک...)

## کلام مهدوی

ما را با خبر کن، زیرا فقهای شیعه و سنّی می‌گویند: نعلین حضرت موسی از پوست حیوان حرام گوشت (میته) بوده است».

امام عصر، روحی له الفداء، در جوابش فرمودند: «کسی که این را بگوید به حضرت موسی افتراء زده و او را در نبوتش [از نظر علم به احکام] جاہل دانسته است؛ زیرا از دو حال خارج نیست: یا نماز خواندن حضرت موسی در آن نعلین جایز است یا خیر. در صورتی که جایز باشد موسی می‌توانست آن کفش را در آن مکان نیز پوشد؛ اگر چه آن بارگاه پاک و پاکیزه باشد و اگر نماز خواندن در آن برای حضرت موسی جایز نبود، لازم می‌آید که موسی به حلال و حرام آگاهی نداشته باشد و نداند که نماز خواندن در این نعلین جایز نیست - همچنان که جایز هم نیست - و این کفر است (نسبت دادن جهل به پیامبر و اینکه حلال و حرام الهی را از هم تمیز نمی‌دهد، کفر است)».

عرض کردم: پس مولای من تأویل آیه چیست؟  
حضرت بقیة الله(ع) فرمودند: «موسی بن عمران که به وادی مقدس [طوى] آمد عرض کرد؛ خداوند! من محبتمن را نسبت به تو خالص کرده (به تو اختصاص

داده) و خانه دلم را از غیر تو پاک نموده‌ام.» در حالی که خاندانش را بسیار دوست می‌داشت. بنابراین خداوند به او فرمود: «فَأَخْلَعْتُ نَعْلَيْكَ» یعنی محبت و علاقه شدید خانواده‌ات را از دل بیرون کن، اگر محبت تو نسبت به من خالص و از میل به جز من دلت پاک است. (چون جایگاه من است، باید محبت اهل و عیال خود را از دل بیرون کنی). سپس عرض کرد: از تأویل «کهی‌عصر» مرا مطلع فرمایید. حضرت امام عصر(ع) در جواب فرمودند: «این حروف از اخبار غبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود؛ سپس داستان را برای حضرت محمد صلی الله علیه وآلہ بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسمی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمد، اسمی پنجگانه را به ایشان تعلیم نمود. هر زمان که زکریا نام‌های محمد، علی، فاطمه و حسن(ع) را می‌برد، شاد می‌شد، ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین(ع) را می‌برد، دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت. روزی گفت: خدایا! مرا چه می‌شود که هر گاه نام چهار تن بالا را می‌برم، دلم تسلي می‌باید و هرگاه نام مبارک امام حسین(ع) را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند

## کلام مهدوی

از حادثه مربوط به امام حسین(ع) بدین گونه خبر داد  
که «کهیعص».

امام عصر(ع) در ادامه فرمودند که:  
«کاف» اسم کربلا و «هاء» اشاره به شهادت و  
هلاکت عترت طاهره (خاندان مکرم حضرت رسالت)  
است؛ «ياء» اشاره به یزید است که بر حسین(ع) ظلم  
نمود؛ «عين» اشاره به عطش و تشنگی حسین(ع) و یاران  
عزیز اوست و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است در  
مقابل مصائب و شداید».

زکریا(ع) چون این بشنید در مسجد خویش سه روز  
اعتكاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و  
پیوسته مشغول گریه و زاری بود و این گونه مرثیه‌سرایی  
می‌کرد که، «بار خدا! آیا بهترین بندگان و مخلوقت را

به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می‌کنی؟  
بار الها! آیا این بلیه را با شهادت حسین(ع) بر حبیت

خاتم انبیاء نازل می‌فرمایی؟  
خداؤندا! آیا بر علی و فاطمه لباس این مصیبت را

می‌پوشانی؟  
پروردگار! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره  
علی و فاطمه ظاهر می‌سازی؟»

آنگاه زکریا عرض کرد: «خداوند! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنایی چشم قرار ده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان، چنان که حبیبت خاتم انبیاء(ص) را به مصیبت فرزندش مبتلا می‌کنی.

خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدت حمل او نیز مانند امام حسین(ع) شش ماه بود».

سپس سعد بن عبد الله می‌گوید: «عرض کردم مولای من! علت اینکه مردم نمی‌توانند برای خودشان امام انتخاب کنند، چیست؟

امام(ع) در جوابم فرمودند: «امام مُصلح یا مُفسد؟ عرض کردم: «مصلح».

امام عصر(ع) فرمودند: «آیا ممکن است مردم در انتخاب اشتباه کنند و به جای پیشوای امام پرهیزگار و مصلح یک فرد غیر مصلح را اختیار نمایند یا خیر؟ عرض کردم: آری، امکان این اشتباه هست.

امام زمان(ع) فرمودند: «علت اینکه مردم نمی‌توانند برای خود امام انتخاب کنند، این است و من برای تو دلایلی ذکر می‌کنم که عقلت پذیرد».

## کلام مهدوی

عرض کردم: پفرماید.

امام(ع) [در مقام بیان استدلال و دلیل بر اثبات مدعی] فرمودند: «به من بگو آیا انبیاء و فرستادگان الهی که راهنمایان مردمند و با نزول کتاب‌های آسمانی، فرستادن وحی به وسیله جبرئیل و مججهز بودن به نیروی عصمت، مؤید هستند و بزرگانی مانند موسی و عیسی با آن عقل و کمالی که داشته‌اند، ممکن است انتخابشان غلط بوده باشد و در حالی که خیال می‌کردند برگزیدگان آنها مؤمن هستند، از منافقان بوده باشند؟

عرض کردم: خیر، ای مولای من!

امام عصر(ع) فرمودند: با این وصف کلیم الله با آن فراوانی عقل و کمال علمی و برخوردار بودن از نیروی وحی از میان بزرگان قوم و لشکریانش هفتاد نفر را از همه طبقات اختیار کرد؛ آن هم کسانی را که در اخلاص و ایمان آنها شک و تردیدی نبود و دیدیم که چه شد. و خداوند بزرگ فرموده است: «و موسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده‌گاه برگزید».

امام عصر(ع) فرمودند: «پس هنگامی که مشاهده کردیم که انتخاب و اختیار برگزیدگان خداوند از سلسله جلیله انبیاء به این صورت درآمد و افراد فاسد به جای

مردم صالح قرار گرفتند، نتیجه می‌گیریم افرادی که از درون اشخاص آگاهی ندارند حق اختیار و انتخاب از آنها گرفته شده است و پس از اینکه انتخاب انبیاء بر افراد مفسد پیاده شد، دیگر اعتباری برای اختیار و انتخاب مهاجرین و انصار پس از رسول اکرم(ص) باقی نمی‌ماند تا برای پیامبر بزرگ اسلام وصی و جانشین انتخاب کنند، سپس امام عصر(ع) فرمودند: «ای سعد! در مورد ادعای دشمن تو راجع به اینکه [چرا] پیامبر(ص) منتخب امت (ابویکر) را با خود به غار برند، زیرا ترسیدند اگر او کشته شود امر اسلام مختل گردد، چون می‌دانستند که او پس از آن حضرت خلیفه می‌شود و رعایت اختفاء ایجاد می‌نمود کس دیگری را به غار نبرند و علی را در رختخواب خود خوابانیدند، زیرا می‌دانستند که اگر علی کشته شود اختلالی در اسلام پیدا نخواهد شد و اینکه کسانی که بتوانند جای علی را بگیرند و امور اسلام و مردم را منظم نمایند، وجود داشتند.

درباره این سؤال و ادعای این شخص چرا جواب نقضی ندادی؟ چرا نگفتی که مگر نه این است که شما در روایاتتان از قول رسول اکرم(ص) نقل کرده‌اید که آن حضرت فرمودند: «خلافت پس از من سی سال خواهد

## کلام مهدوی

بود و بقای عمر آن به وجود این چهار نفر (ابوبکر و عمر و عثمان و علی) بستگی دارد؟ بنابراین، این چهار نفر بر اساس مذهب شما جانشینان رسول الله هستند. قطعاً دشمن تو چاره‌ای ندارد جز اینکه بگوید «درست است»، (یعنی گفته تو را قبول کند). پس از این امر به دشمن می‌گویی با توجه به این موضوع همان گونه که ابوبکر خلیفه پیامبر است، این سه نفر هم بوده‌اند؛ پس چرا پیامبر یکی از این چهار نفر (ابوبکر) را با خود به غار برد و آن سه نفر دیگر را نبرد؟ [در حالی که از نظر مقام و آثار وجودی، هر چهار نفر باید یکی باشند.] در این صورت، پیامبر اسلام(ص) نسبت به آن سه نفر استخفاف ورزیده و ترک محبت نموده و از شفقتی که نسبت به ابوبکر روا داشته، آنان را محروم کرده است.

خلاصه و نتیجه فرمایشات امام عصر(ع) ممکن است این طور باشد که: بُردن ابوبکر به غار نه تنها دلیل بر خلیفه بودن او نیست بلکه دلیل بر ابطال خلافت او است؛ زیرا بنابر گفته و روایت جعلی خودشان هر چهار نفر خلیفه بوده‌اند و یار غار بودن، به ابوبکر اختصاصی ندارد. بنابراین، ادعای تقدّم ابوبکر به دلیل همراهی با رسول الله(ص) در غار نادرست و باطل است.

امام(ع) فرمودند: اما در مورد سؤال دیگر دشمن - درباره اسلام اوّلی و دومی که آیا از روی اختیار بود یا به اکراه و اجبار اسلام آورده‌اند - چرا در جوابش نگفتی که آن دو نفر به جهت «طمع» ایمان آورده بودند و علت طمع آنان نیز این بود که آنها با یهودیان معاشرت داشتند و در نتیجه این معاشرت از اینکه حضرت محمد(ص) به پیامبری مبعوث خواهند شد و بر عرب استیلا پیدا می‌کنند».

باخبر شده و از تورات و کتب مقدسه ماجراي آن حضرت را شنیده بودند و به اين دو نفر گفته شده بود همچنان که بخت النصر بر بنی اسرائیل مسلط شد، حضرت محمد(ص) نیز بر عرب استیلا می‌یابد، با این تفاوت که حضرتش دعوی پیامبری دارد. بنابراین، آنگاه که موضوع رسالت حضرتش ظاهر شد، این دو تن در مورد شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله(ص) با پیامبر اسلام مساعدت کردند تا شاید به مقامی دست یابند و پس از قدرت یافتن و استقرار حکومت حضرت رسول(ص)، در حکومت شریک باشند. ولی آنگاه که از دستیابی به مقامی مأیوس شدند، با دوستان دیگران در شب عقبه سعی کردند، مرکب سواری حضرت رسول(ص) را منحرف

## کلام مهدوی

نمایند تا در دره‌ای سقوط کند و پیامبر کشته شود؛ ولی خداوند پیامرش را حفظ فرموده و او را از این توطه نجات داد و نظری و مانند این دو نفر طلحه و زبیرند که با امیرالمؤمنین(ع) به طمع دستیابی به مقامی بیعت کردند و چون با توجه به عدالت امیرالمؤمنین(ع)، مأیوس شدند، بیعت خود را با حضرتش شکستند و نتیجه امرشان مانند دیگر بیعت‌شکنان شد، یعنی به ارتداد آنان از دین منجر گشت».

سعدبن عبد الله می‌گوید: «سپس مولایم حضرت عسکری(ع) برای اقامه نماز برخاستند و حضرت قائم(ع) نیز با ایشان برخاستند و من از خدمتشان مرخص شدم و به دنبال احمد بن اسحاق رفتم. در راه، او را دیدم که به سمت من می‌آمد و می‌گریست. از علت تأخیر و گریه‌اش سؤال کردم. پاسخ داد: پیراهنی را که مولایم از من خواسته بودند، گم کرده‌ام. به ایشان گفتم: تعصیری نداری و موضوع را به مولایمان اطلاع بده. احمد بن اسحاق حضور امام(ع) مشرف شد و در حالتی که خنده بر لب داشت و بر محمد و آل طاهرین وی صلوات می‌فرستاد، مراجعت نمود. از موضوع استفسار کردم، گفت: مولایمان بر روی همان لباس مشغول نماز خواندن

پودند.

سعد بن عبدالله می‌گوید: خدای را بدین جهت سپاس گفتیم و تا وقتی که در سامراء بودیم، مکرّر خدمت مولای عزیzman حضرت عسکری(ع) شرفیاب می‌شدیم، ولی دیگر موفق به زیارت حضرت مهدی(ع) نشدیم. و چون هنگام بازگشت فرارسید برای عرض خدا حافظی و وداع شرفیاب شدیم. احمد بن اسحاق در پیشگاه حضرت عسکری(ع) ایستاده، عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! هنگام جدائی فرارسیده و باید از خدمت شما مرخص شویم. از خداوند درخواست می‌کنیم که بر جدت خاتم انبیاء و پدرت علیّ مرتضی و مادرت سیدةالنساء، زهرای مرضیه و بر آقایان اهل بهشت، عمومی عزیزت حضرت مجتبی و پدرت سیدالشهداء و ائمه پس از ایشان پدران گرامی شما، و نیز بر حضرت و فرزند عزیزت [حضرت مهدی، روحی له الفداء] سلام و درود بی‌پایان فرمود و عظمت شما را فزونی بخشد و دشمنانت را منکوب و خوار نماید و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد.

سعد بن عبدالله می‌گوید: چون سخن احمد بن اسحاق بدین جا رسید، امام(ع) منقلب شدند و اشک از دیدگان مبارکشان روان گشت و فرمودند: «احمد بن اسحاق! تا

## کلام مهدوی

می‌توانی در دعا کردن کوشش کن، زیرا به زودی به  
ملاقات خداوند خواهی رفت».

احمد بن اسحاق با شنیدن این مطلب [یعنی خبر مرگ  
خویش] غش کرد و بر زمین افتاد و چون به هوش آمد  
عرض کرد: مولای من! شما را به خدا قسم و به احترام  
جدّتان، خاتم انبیاء [پارچه‌ای به من مرحمت فرمایید که  
برای خود کفن نمایم و به آن تبرک جویم]. حضرت  
دست مبارک به زیر بساط برداشت و مبلغ سیزده درهم  
بیرون آورده، فرمودند: «این پول را بگیر و از پول دیگری  
مخارج زندگی را تأمین نما و آنچه که خواستی (کفن)  
داده خواهد شد و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع  
نمی‌سازد».

سعد بن عبد الله می‌گوید: «چون از حضور مبارک  
حضرت عسکری (ع) مرخص شدیم و به سه فرسنگی  
حلوان رسیدیم، احمد بن اسحاق دچار تب شدیدی شد  
که او را از حیات و زندگی مأیوس کرد و چون وارد  
حلوان شدیم، در یکی از کاروانسراها منزل کردیم. احمد  
بن اسحاق از ما خواست که او را تنها بگذاریم و ما نیز  
به اطاق‌های خود رفتیم».

سعد می‌گوید: نزدیک صبح که به یاد احمد بن

اسحاق بودم، چون چشم باز کردم، کافور خادم حضرت عسکری(ع) را دیدم که می گویید: «خداؤند در مورد مصیبت و مرگ برادر مقرب و محبوتان به همه شما پاداش نیکو مرحمت فرماید. ما از غسل و کفن کردن دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او را دفن نمایید». با گفتن این جمله، کافور خادم از نظر ما پنهان شد و ما با دوستان بر جنازه مقدس احمد بن اسحاق گرد آمده، عزاداری کردیم و بدنش را به خاک سپردیم. خداوند او را از رحمت بی نهایت خویش بهره مند سازد».

\* \* \*

### سخنان امام عصر(عج) در کنار بدن مقدس حضرت امام حسن عسکری(ع)

در تاریخ شهادت حضرت امام حسن عسکری(ع)، مرحوم علامه مجلسی، رضوان الله علیه، نقل می کند که راوی حدیث می گوییا:-

«فَلَمَّا صِرْنَا بِالدَّارِ إِذَا نَحْنُ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلَىٰ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَىٰ نَعْشِهِ مُكَفَّنًا فَتَقَدَّمَ جَعْفُرُ بْنُ عَلَىٰ لِيَصْلِي عَلَىٰ أَخِيهِ، فَلَمَّا هُمْ بِالْتَّكْبِيرِ خَرَجَ صَبَّىٌ بِوَجْهِهِ سَمَرَةُ بْشَغْرِهِ قُطْطَ بِأَسْنَاهِهِ، تَفْلِيجٌ فَجَبَدَ رِداءً جَعْفَرِ بْنِ عَلَىٰ وَقَالَ: «تَأَخَّرْ يَا عَمْ فَإِنَا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ

عَلَى أَبِي». فَتَأْخِرَ جَعْفَرُ بْنُ عَلَىٰ وَقَدِ ارْتَدَ وَجْهَهُ فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ  
فَصَلَّى عَلَيْهِ وَدُفِنَ إِلَى جَانِبِ قَبْرِ أَبِيهِ<sup>۱</sup>

چون وارد منزل حضرت امام حسن عسکری(ع)  
شدیم، جنازه مقدسش را که غسل داده و کفن کرده  
بودند، دیدیم. جعفر بن علی (برادر آن حضرت) خواست  
بر بدن امام(ع) نماز گزارد. هنگامی که خواست تکبیر  
بگوید، ناگهان طفلی ماهروی نقاب بر چهره و با موهای  
پرپشت و دندانهایی باز و از هم جدا از پس پرده بیرون  
آمد و عبای جعفر را گرفته، او را عقب زد و فرمود:  
«عمو! عقب برو. من باید بر پدرم نماز بخوانم، زیرا من  
اولی و سزاوارترم.» در این هنگام جعفر در حالی که  
رنگ صورتش دگرگون شده بود، کنار رفت. آن حضرت  
بر پدر نماز گزارد و امام حسن عسکری را در کنار پدر  
بزرگوارش، حضرت امام علی النقی، سلام الله علیہما به  
خاک سپردند.

اولویت امام زمان(ع) بر جعفر بن علی برای نماز گزاردن بر  
پدر به جهات متعددی است. از جمله اینکه آن حضرت فرزند  
امام حسن عسکری(ع) بوده است و نیز اینکه «امام باید بر امام  
نماز بخواند» و دیگر مقام والای تقوای حضرتش و بی بهره بودن

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۲۲.

## چهل حدیث

جعفر از تقوا و پرهیزگاری در آن زمان.

هنگام شهادت حضرت امام حسن عسکری(ع) وجود مقدس  
حضرت بقیة الله(عج) پنج ساله بوده‌اند و در حالی که منزل و  
خانواده آن حضرت در محاصره حکومت وقت بود، مع الوصف  
دشمنان نتوانستند به آن حضرت دسترسی یابند و حضرتش  
در مقابل چشم آنان جعفر را عقب رانده، بر جنازه پاک پدر،  
حضرت امام حسن عسکری(ع) نماز گزارد. این مطلب همان  
معنای ولایت مطلقه الهیه است».

## بخش دوم

توقیعات صادر شده از پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله  
ارواحنا له الفداء در غیبت صغرا و کبرا

یکی از عنایات بزرگ حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، راهنمایی‌های ایشان در زمان غیبت‌شان است. همان توقيعاتی که به افتخار مردان بر جسته تقدوا، مانند نواب خاصه در زمان غیبت صغرا و جناب شیخ مفید، اعلی الله مقامه، شرف صدور یافته است که طی آنها حضرت ولی عصر(عج) نیازهای دنیوی و اخروی مردم را در ارتباط با دین و بندگی خداوند متعال بیان فرموده‌اند. به گونه‌ای که یکی از آن توقيعات می‌تواند احتیاجات مردم را تأمین کند. در اینجا به ذکر برخی از توقيعات به اختصار می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

\* \* \*

توقيع مبارک از ناحیه مقدسه به افتخار محمد بن عثمان (رض) در پاسخ به چند سؤال شرعی ایشان:

---

۱. متن کامل توقيعات در کتاب تحفة امام مهدی(ع) از آثار منتشره همین ناشر (موعود عصر(عج)) آمده است.

«أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ، مِنَ الصَّلْوَةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَعِنْدَ  
غُرُوبِهَا، فَلَئِنْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ مِنْ بَيْنِ قَرْنَى  
الشَّيْطَانِ وَتَغْرِبُ بَيْنَ قَرْنَى الشَّيْطَانِ فَمَا أَرْغَمَ أَنَّفَ الشَّيْطَانِ  
بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّلْوَةِ فَصَلَّهَا وَأَرْغَمَ أَنَّفَ الشَّيْطَانِ؛  
إِنَّكَهُ در مورد نماز خواندن هنگام طلوع و غروب  
آفتاب سؤال کرده‌ای.

– پس اگر چنان باشد که می‌گویند «آفتاب در میان دو  
شاخ شیطان طلوع و غروب می‌نماید»، پس بدین ترتیب  
برای شکست دادن شیطان و بینی او را به خاک مالیدن،  
هیچ چیز بهتر از نماز نیست. پس نماز بخوان و بینی  
شیطان را به خاک بمال».

\* \* \*

«وَأَمَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَى نَاحِيَتِنَا وَمَا يُجْعَلُ لَنَا  
ثُمَّ يَخْتَاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ فَكُلُّ مَالِمُ يُسْلِمُ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ وَ  
كُلُّمَا سُلِمَ فَلَا خِيَارٌ لِصَاحِبِهِ فِيهِ، إِخْتَاجَ أَمْ لَمْ يَخْتَاجُ، إِفْتَرَ إِلَيْهِ  
أَوْ اسْتَغْنَى عَنْهُ.

وَأَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَمْرٌ مَنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا، أَوْ  
يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ  
مَلُूونٌ وَنَحْنُ خُصَماً وَهُوَ يَوْمَ الْقِيمَةِ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ وَسَلَّمَ «الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتَرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مَلُूونٌ عَلَى لِسَانِي وَ

لِسَانٍ كُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٌ». فَمَنْ ظَلَمَنَا كَانَ فِي جُمْلَةِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَ  
كَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»<sup>۱</sup>  
درباره اموالی که برای ما وقف می‌کنند، سؤال کرده  
بودی؟

– در این مورد اگر صاحب ملک، آن را تحويل و به  
تصرف وقف داده باشد، دیگر نمی‌تواند در آن تصرف  
کند و برای او بازگشتی نیست، چه محتاج باشد یا نباشد،  
ولی اگر تسليم نکرده است، اختیار او باقی است و  
می‌تواند در آن ملک تصرف نماید.

در مورد اموال ما سؤال کرده بودی که آیا می‌شود در  
آن تصرف نمود و آن را حلال دانست؟

– اگر کسی بدون اجازه ما در این گونه اموال تصرف  
کند، ملعون است و ما در روز قیامت دشمن او خواهیم  
بود، همان گونه که پیامبر بزرگ(ص) می‌فرماید: «هر  
کس اموال عترت مرا که خداوند تصرف در آن را بدون  
اجازه آنها حرام فرموده است، حلال بداند، مورد لعن  
من و همه انبیاء است (دور از رحمت الهی است)».  
و هر کس به ما ظلم کند در زمرة ستمکاران و مورد لعنت  
خداوندی است، چنان که خداوند می‌فرماید: «آگاه باشید

۱. سوره هود (۱۱)، آیه ۱۸.

که ستمگران مشمول لعنت ما هستند».

«وَأَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الضِّيَاعِ الَّتِي لِنَا حِيَّتَنَا، هَلْ يَجُوزُ  
الْقِيَامُ بِعِمَارَتِهَا وَأَدَاءِ الْخَرَاجِ مِنْهَا وَصَرْفِ مَا يَفْضُلُ مِنْ دَخْلِهَا  
إِلَى النَّاحِيَةِ احْتِسَابًا لِلأَجْرِ وَتَقْرِبًا إِلَيْكُمْ، فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ  
يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ اذْنِهِ فَكَيْفَ يَحِلُّ ذَلِكَ فِي مَالِنَا. مَنْ  
فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ بِغَيْرِ أَمْرِنَا فَقَدِ اسْتَحْلَلَ مِنَا مَا حُرِمَ عَلَيْهِ وَمَنْ  
أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَسَيَضْلُّ سَعِيرًا.  
وَأَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الرَّجُلِ الَّذِي يَجْعَلُ لِنَا حِيَّتَنَا ضَيْعَةً وَ  
يُسْلِمُهَا مِنْ قِيمَتِهِ بِهَا وَيَعْمَرُهَا وَيُؤَدِّي مِنْ دَخْلِهَا خَرَاجَهَا وَ  
مَوْنَتَهَا وَيَجْعَلُ مَا يَبْقَى مِنَ الدَّخْلِ لِنَا حِيَّتَنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ جَائزٌ لِمَنْ  
جَعَلَهُ صَاحِبُ الصَّنِيعَةِ قِيمًا عَلَيْهَا، لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِغَيْرِهِ؛

سؤال کرده‌اید آیا بدون اجازه از ناحیه مقدسه شما  
می‌توان در املاک شما عمران و آبادانی کرد و پس از  
وضع مخارج، بقیه را به ناحیه مقدسه فرستاد و این عمل  
را به عنوان یک عبادت انجام داد؟

- خیر. تصرف در اموال هیچ کس بدون اجازه او  
جايز نیست؛ پس [به طریق اولی چگونه تصرف در اموال  
ما بدون اجازه، جایز است؟] هر کس تصرف در اموال  
ما را حلال بداند و مال ما را بخورد، گویی آتش جهنم  
خورده است.

## کلام مهدوی

سؤال کرده اید در مورد شخصی که به ما ملکی  
می دهد و کسی را برای آبادی آن ملک معین می کند تا  
پس از وضع مخارج، بقیه درآمد را برای ما بفرستد؟  
- برای کسی که از طرف مالک و صاحب آن برای  
این کار تعیین شده، جایز است و برای غیر او جایز  
نیست».

\* \* \*

**توقيع مبارک حضرت صاحب الزمان(ع) به جناب عمری**  
این فرمان از طرف حضرت ولی عصر، ارواحنا له الفداء، به  
افتخار جناب عمری و فرزندش محمد بن عثمان شرف صدور  
یافته و به قراری که شیخ ابو جعفر فرموده، فرمان مزبور را به  
خط سعد بن عبد الله شخصاً دیده است و اینک مت توقيع مبارک  
حضرت صاحب الزمان. روحی له الفداء:

«وَفَكِّمَا اللَّهُ لِطَاعَتِهِ وَثَبَّتَكُمَا عَلَى دِينِهِ وَأَسْعَدَكُمَا بِمَرْضَاتِهِ،  
إِنَّهُمْ إِنَّا مَا ذَكَرْتُمَا أَنَّ الْمَيْتَمِيَّ أَخْبَرَكُمَا عَنِ الْمُخْتَارِ وَمُنَاظِرَتِهِ  
مَنْ لَقِيَ وَأَخْتِجاجَهِ يَأْنَ لَا خَلَفَ غَيْرُ جَعْفَرِ بْنِ عَلَىٰ وَتَصْدِيقِهِ  
إِيَّاهُ.

وَفَهِمْتُ جَمِيعَ مَا كَتَبْتُمَا بِهِ مِمَّا قَالَ أَصْحَابُكُمْ عَنْهُ وَأَنَا أَعُوذُ  
بِاللَّهِ مِنَ الْعُمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَمِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى وَمِنْ مُوبِقاتِ

الْأَعْمَالِ وَمُرْدِيَاتِ الْفِتْنَى فَإِنَّهُ عَزُّ وَجَلٌ يَقُولُ: «اَللّٰهُمَّ احْسِبْ النّاسَ أَنَّ يُتْرَكُوَا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفَتَّنُونَ؛<sup>۱</sup>  
 خداوند شما دو نفر [پدر و پسر] را به طاعت و  
 بندگی خویش موفق و بر دین خود ثابت قدم بدارد و  
 در سایه رضای ذات پاکش به شما سعادت دو جهان  
 عنایت فرماید. آنچه که میشمی به شما خبر داده بود در  
 مورد «اختار» و مناظره او با کسی که اظهار می‌داشته از  
 حضرت امام حسن عسکری(ع) جانشینی جز جعفر بن  
 علی باقی نمانده و او هم تصدیق کرده است، به ما  
 رسید.

همچنین آنچه که شما به میشمی در پاسخ مطالبی که  
 به یاران شما گفته بود، نوشته‌نیز ما روشن است و من  
 از اینکه پس از بینایی و بصیرت [در دین]، دچار نابینایی  
 شوم [و حق را نبینم] و پس از هدایت، گمراه گردم و  
 نیز از فتنه‌ها و عدم قبولی اعمال، به خدا پناه می‌برم؛  
 چه آنکه حق تعالی در قرآن کریم فرموده است: «آیا  
 مردم خیال می‌کنند که اگر بگویند ایمان آورده‌اند از  
 آنها می‌گذرند و آنان را آزمایش نمی‌کنند؟» [حتماً باید  
 آزمایش شوند].

۱. سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۲.

توضیح این نکته مناسب است که البتّه امام معصوم(ع) نه گمراه می شود و نه در فتنه ها گرفتار می آید، بلکه فرمایشات امام عصر(ع) برای ما است که پند بگیریم و آگاه شویم.

«كَيْفَ يَسْقُطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَ يَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْثَةِ وَ يَأْخُذُونَ يَمِينًا وَ شِمَالًا، فَارْقُوا دِينَهُمْ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهَلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَاسُوا. أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا وَ إِمَّا مَغْمُورًا.

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا اِنْتِظامَ اِثْمَتِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاحِدَةِ بَعْدَ وَاحِدِهِ إِلَى أَنَّ أَفْضَى الْأَمْرِ بِإِمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْمُاضِي يَعْنِي الْحَسَنَ ابْنَ عَلِيٍّ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَامَ مَقَامَ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ.

كَانَ نُورًا سَاطِعًا وَ قَمَرًا زَاهِرًا، اِخْتَارَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ فَمَضَى عَلَى مِنْهاجِ آبَائِهِ (الشَّهَادَةِ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذْوَالنَّعْلِ بِالنَّغْلِ عَلَى عَهْدِ عَهْدَهُ وَ وَصِيَّةٍ أَوْصَى بِهَا إِلَى وَصِيَّ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِإِمْرِهِ إِلَى غَايَةٍ وَ أَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيَّتِهِ لِلْقَضَاءِ السَّابِقِ وَ الْقُدْرِ النَّافِذِ وَ فِينَا مَوْضِعُهُ وَ لَنَا فَضْلُهُ.

وَلَوْ أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ وَ أَزَالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَرَى بِهِ مِنْ حُكْمِهِ لِأَرَاهُمُ الْحَقَّ ظَاهِرًا بِأَحْسَنِ حِلْيَةٍ وَ أَبْيَنِ دَلَالَةٍ وَ أَوْضَحَ عَلَامَةٍ وَ لَا يَبَانَ نَفْسَهُ وَ قَامَ بِحُجَّتِهِ وَ لَكِنْ أَقْدَارُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا

تُغَالِبُ وَ اِرَادَتُهُ لَا تُرْدُ وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْبِقُ؛  
چگونه در فتنه سقوط می‌کنند و در حیرت و سرگردانی  
به سر می‌برند و پیوسته به چپ و راست در حرکتند؟! آیا  
از دین خود جدا افتاده‌اند؟ (ارتباط آنها با دینشان قطع  
شده است؟) آیا از روایات معتبر در این مورد بی‌اطلاع  
هستند یا آگاهند ولی آنرا از یاد برده‌اند؟ آیا نمی‌دانند که  
خداوند کره زمین را از حجت خالی نمی‌گذارد، اعم از  
اینکه آن حجت ظاهر و در میان مردم باشد یا غایب از  
انظار؟

آیا این دسته‌ای که در وجود امام [پس از حضرت  
امام حسن عسکری(ع)] شک و تردید دارند، از برنامه  
منظّم ائمه معصومین(ع) پس از پیامبرشان(ص) بی‌اطلاع  
هستند که چگونه یکی پس از دیگری طبق برنامه‌های  
تعیین شده به وظیفه خویش عمل کردند و نوبت به امام  
حسن عسکری(ع) رسید که جانشین پدرانش بود و به  
امر خداوند مردم را به سوی حق و راه مستقیم ولايت  
دعوت فرمود؟

او خورشیدی فروزان و ماهی درخشان بود که در  
آسمان ولايت و امامت می‌درخشيد و آنگاه که ساعت  
مقرر فرا رسید و مانند اجداد گرامی اش به سبب شهادت،

## کلام مهدوی

به جوار رحمت حق شتافت، مانند پدرانش بدون کم و زیاد به عهد خویش و فانمود و وصیت خود را به وصی و جانشین خودش - که به امر خداوند باید تا روز موعود از نظرها پنهان باشد - سپرد. البته که در مورد جانشین او مقدار الهی این چنین است که محل زندگی او باید مخفی باشد و این برای ما فضیلتی است.

و آن روزی که خداوند به ما اجازه دهد و منع خود را از ظهور ما بردارد، حق در زیباترین لباس‌ها و روشن‌ترین نشانه‌ها به مردم نشان داده شده و بر همگان آشکار خواهد شد و اساساً حق و حقیقت، خود معرف خویش خواهد بود. لکن چه باید کرد؟ اکنون باید در برابر قضا و قدر الهی و اراده توانایش تسلیم و به انتظار توفیق از جانب ذات پاکش بود».

«لَيَدْعُوا عَنْهُمُ اتَّبَاعَ الْهُوَى وَ لَيَقِيمُوا عَلَى أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ وَ لَا يَبْخَثُوا عَمَّا سُتِّرَ عَنْهُمْ فَيَأْتِمُوا وَ لَا يَكْسِفُوا سَرْتَرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَنْدَمُوا وَ لَيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٌ وَ لَا يَدْعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌ غَوِيٌّ. فَلَيَقْتَصِرُوا مِنَا عَلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ التَّفْسِيرِ وَ يَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالْتَّغْرِيفِ دُونَ التَّضْرِيحِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰.

پس منکران و کسانی را که درشک و تردید هستند بخوانید تا دست از متابعت هوا و هوس بردارند و همان اصول [یعنی برنامه منظم ائمه معصومین علیهم السلام] را که پیروی می کردند، رعایت کنند و همان راه را دنبال نمایند. از آنچه از آنها پوشیده است، درگذرند و از بحث و فحص در آن خودداری کنند، که به گناه آلوده خواهند شد. اسرار الهی را فاش نکنند، که موجب پشیمانی آنان خواهد شد و بدانند که حق با ما و در راه دوستی ما است. هیچ کس جز ما این ادعای [یعنی دعوی امامت و جانشینی رسول اکرم (ص)] را ندارد مگر دروغگویان و آنان که بر خداوند افترا بسته و گمراه خیانت پیشه هستند. بدین مختصر که از ما شنیدید قناعت کنید و از تفصیل و شرح آن در گذرید».

از مجموع سخنان حضرت بقیة الله (ع) در این فرمان به چند اصل مهم و حیاتی باید توجه نمود:

۱. برنامه های ائمه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، از طرف خداوند، عزوجل، معین گردیده است و آنچه آنها عمل فرموده اند از قبیل موضوع غیبت، ظهر، در خانه نشستن و شهادت و مدارا کردن با دشمنان برای حفظ اسلام و جلوگیری از ریختن خون شیعیان، همه و همه از جانب خداوند متعال

بوده است.

۲. وجود مقدس حضرت بقیة الله(ع) در تمام آنات و لحظات  
منتظر فرمان خداوند تبارک و تعالی و آماده قیام هستند.

۳. تمام مردم در معرض امتحان و آزمایش قرار خواهند  
گرفت.

۴. بهترین و بالاترین وسیله قرب به آن حضرت، تسليم  
محض ایشان بودن و چون و چرا نکردن درباره غیبت و تأخیر  
ظهور است.

\* \* \*

توقيع مبارک حضرت بقیة الله(ع) در مورد ابوالعباس

حضرین ابی صالح:

«**حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدِ عَمَارُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْإِسْحَاقِ الْأَسْرَوْشَنِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْخَضْرَبَنِ أَبِي صَالِحِ الْجَنْدِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ(ع)**  
**تَوْقِيقٌ بَعْدَ أَنْ كَانَ أَغْرِيَ بِالْفَحْصِ وَالْطَّلَبِ وَصَارَ عَنْ وَطَنِهِ لِيَتَبَيَّنَ لَهُ مَا يَعْمَلُ عَلَيْهِ وَكَانَ نُسْخَةُ التَّوْقِيقِ:**

مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ، وَمَنْ طَلَبَ فَقَدْ ذَلَّ، وَمَنْ ذَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ  
مَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ. قَالَ: فَكَفَّ عَنِ الْطَّلَبِ وَرَجَعَ؛<sup>۱</sup>

۱. کلمة الامام المهدی(ع)، ص ۵۴۸.

## چهل حدیث

هر کس که درباره من جست و جو کند، به دنبال من آمده است و هر کس برای پیدا کردن من کوشش کند دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است و هر کس دشمن را به سوی من رهنمون شود، جان مرا به خطر انداخته است و هر کس که از نظر جانی خطری متوجه من کند، مشرک است».

بدین ترتیب، حضر بن ابی صالح که مذکورها در طلب مقام مقدس حضرت بقیة الله، روحی له الفداء در شهرها و بلاد در جست و جو بود، دست از این کار برداشت و به منزل خود بازگشت.

از متن این فرمان می‌توان متوجه شد که فحص و جست و جو برای پیدا کردن آن حضرت در زمان غیبت، جایز نیست و البته هیچ کس در هر مقامی و دارای هر قدرتی که باشد، امکان دسترسی به آن حضرت را نخواهد داشت و غرض، هدایت و راهنمایی دوستان است که راه رضا و تسليم را ترک نکنند و تا روز موعود در انتظار آن آب حیات به سر برند. «اللَّهُمَّ عَجِلْ فَرَجَهُ وَ أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ وَ اتْقِمْ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ».

\* \* \*

---

۱. بار الها در فرج او تعجیل فرماد و عدهات را در حق او محقق کن و از دشمناش انتقام گیر (ان).

توقيع حضرت صاحب الامر(ع) به افتخار اسحاق بن یعقوب  
عن اسحق بن یعقوب، قال سأّلتَ مَحْمَدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمْرَى -  
رَحْمَةُ اللهِ أَنْ يُوصِلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلَتْ  
عَلَيَّ فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطٍّ مَوْلَانَا صَاحِبُ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
«أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ، أَرْشَدَ اللَّهُ وَثَبَّتَكَ مِنْ أَمْرِ الْمُنْكَرِينَ لِي مِنْ  
أَهْلِ بَيْتِنَا وَبَنِي عَمَّنَا فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدِ  
قَرَابَةٍ، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَسَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ وَأَمَا  
سَبِيلُ عَمِي جَعْفَرٍ وَوَلَدِهِ فَسَبِيلُ إِخْوَةِ يُوسُفَ عَلَى نَبِيِّنَا وَآلِهِ وَ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَا الْفُقَاعُ فَشُرُبُهُ حَرَامٌ وَلَا بَأْسَ بِالشَّلْمَابِ؛

اسحاق بن یعقوب می گوید: در مورد برخی از مسائل  
که برای من مشکل شده بود، توسط جناب محمد بن  
عثمان - که خدا از او و پدرش راضی باد - [نایب خاص  
حضرت بقیة الله، عجل الله تعالى فرجه الشریف در زمان  
غیبت صغرا] عریضه‌ای به پیشگاه مقدس حضرت ولی  
عصر(ع) تقدیم داشتم که جوابی از ناحیه مقدسه حضرت  
واصل شد، بدین شرح:

خداوندا تو را به حق هدایت کند و ثابت قدم بدارد.  
اما در خصوص انکار وجود من از طرف برخی از  
خویشاوندان (عموها و غیره)، بدان که میان خداوند متعال  
و بندگانش قرابت و خویشاوندی نیست و هر کس که مرا

انکار کند از من نیست و راه او، راه پسر نوح است (از ما نیستند). در مورد عمومیم جعفر و فرزندانش، وضع آنان همانند برادران یوسف، علی نبیانا و آلہ علیه السلام است. (هم ممکن است مورد عفو حضرت قرار گیرند، چنان که حضرت یوسف به برادرانش گفت «لا تُشَرِّبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ»<sup>۱</sup> و هم ممکن است توبه کنند، چنان که بعداً توبه کردند). خوردن و استعمال فقاع (آبجو) حرام است، ولی نوشیدن «شلماب» مانعی ندارد. (شلماب شربتی است که از شلغم تهیه می‌شود).»

\* \* \*

«وَأَمَا أَمْوَالُكُمْ فَمَا نَقْبَلُهَا إِلَّا لِتُظْهِرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلِيَصْلُ وَمَنْ شَاءَ فَلِيَقْطَعْ، فَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَكُمْ؛  
اما اینکه اموال شما را قبول می‌کنیم [علت] این است که اموال شما پاک شود. بنابراین، هر کس که می‌خواهد اموالش پاک شود بدهد و هر کس که نمی‌خواهد، ندهد. آنچه خداوند به ما عطا فرموده از آنچه شما می‌دهید، بهتر است. (ما نیازی به اموال شما نداریم).»

\* \* \*

«وَأَمَا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَذِبَ الْوَقَائُونَ؛

<sup>۱</sup>. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۹۲.

اما وقت ظهور ما موکول و منوط به اراده خداوند.  
عزوجل، است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند،  
دروغ گفته است».

\* \* \*

«وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْحُسَينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُقْتَلُ، فَكُفْرٌ وَ  
تُكْذِيبٌ وَّضَلَالٌ؛

و اما کسانی که پنداشته‌اند امام حسین(ع) کشته نشده،  
کفر و گمراهی است. (گویندگان کافر و گمراهنده).

\* \* \*

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ  
حُجَّتِنِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ؛

اما در مورد مسائل و حوادث جدیدی که برای شما  
پیدا می‌شود، به کسانی که احادیث ما را روایت می‌کنند  
رجوع کنید. (به کسانی که سخنان ما خاندان رسالت را  
برای شما می‌گویند مراجعه کنید و نه به کسانی که از  
خودشان در می‌آورند). و این دسته حجت من بر شماستند  
و من حجت خدا بر همه شما هستم».

\* \* \*

«وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمْرِي - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ آبِيهِ مِنْ  
قَبْلِهِ، فَإِنَّهُ ثِقَتٌ وَكِتَابُهُ كِتابٌ؛

و امّا محمّد بن عثمان عمری - که خداوند از او و پدرش راضی باد - مورد اعتماد من و نوشته و نامه او، نامه من است».

\* \* \*

«وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلَىٰ بْنِ مَهْزِيَارَ الْاهْوَازِيِّ فَسُيُّضِلُّ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ  
يُزِيلُ عَنْهُ شَكَّهُ؛

و امّا درباره محمّد بن علیّ بن مهزیار اهوازی، به زودی قلب او اصلاح می‌گردد و شکّ از دلش بیرون می‌رود».

\* \* \*

«وَأَمَّا مَا وَصَلَّتْنَا بِهِ، فَلَا قَبُولَ عِنْدَنَا إِلَّا لِمَا طَابَ وَطَهَرَ، وَ ثَمَنُ  
الْمُغَنِّيَّةِ حَرَامٌ؛

و امّا اموالی که برای ما فرستادی، ما آنها را قبول نمی‌کنیم، چون از حرام است و باید از حرام پاک شود».

«وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ شَاذَانَ بْنَ نَعِيمٍ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مِّنْ شَيْعَتِنَا أَهْلَ  
الْبَيْتِ؛

و در مورد محمّد بن شاذان سؤال کرده بودی. او از شیعیان ما، اهل بیت است».

\* \* \*

کلام مهدوی

«وَأَمَا أَبُو الْخَطَابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي زَيْنَبِ الْأَجْدَعُ مَلْعُونٌ وَأَصْحَابُهُ  
مَلْعُونُونَ، فَلَا تُجَالِسْ أَهْلَ مَقَاتِلِهِمْ وَإِنِّي مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَآبائِي  
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْهُمْ بُرُءَاءٌ»؛

اما ابوالخطاب محمد فرزند ابی زینب الاجدع و  
اصحابش ملعونند. با آنها معاشرت نکن و من از آنها  
بیزارم و پدران گرامی ام(ع) از آنها بیزار بودند».

\* \* \*

«وَأَمَا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا، فَمَنِ اسْتَحْلَلَ مِنْهَا شَيْئًا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا  
يَأْكُلُ النَّيْرَانَ؛

و اما در مورد کسانی که اموال ما را می خورند، اگر  
بر سبیل انکار باشند و حلال بدانند با خوردن اموال ما،  
شکم های خود را از آتش جهنم پُر می کنند».

\* \* \*

«وَأَمَا الْخُمُسُ فَقَدْ أَبْيَحَ لِشَيْعَتِنَا وَجَعَلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِلَى وَقْتٍ  
ظُهُورِ أَمْرِنَا لِتَطْبِيبِ وِلَادَتِهِمْ وَلَا تَخْبُثُ؛

در مورد خمس، آن را تا هنگام ظهور بر شیعیان  
خود حلال کردیم تا فرزندان آنها پاکیزه متولد شده، به  
دنیا بیایند. (یعنی از مال مشتبه تغذیه نکنند که در نتیجه  
فرزندان آنها ناپاک باشند)».

\* \* \*

«وَإِمَّا نِدَامَةُ قَوْمٍ قَدْ شَكُوا فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى مَا وَصَلُونَا بِهِ فَقَدْ أَقْلَنَا مِنْ اسْتَقْالٍ وَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي صِلَةِ الشَّاكِينَ؛

در مورد شک و تردید عدهای در دین خدا و پشیمانی آنها از اموالی که برای ما ارسال نموده‌اند، باید بدانند که ما احتیاجی به اموال آنها نداریم».

\* \* \*

«وَأَمَّا عِلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءِ إِنْ تَبَدَّلْكُمْ تَسْؤُكُمْ؛

در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید. خداوند متعال در قرآن کریمش می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آنها را نمی‌توانید تحمل کنید و ناراحت می‌شوید، سؤال نکنید».

\* \* \*

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنْقِهِ بَيْعَةُ لِطَاغِيَةٍ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيْتِ فِي عُنْقِي؛

بدانید که هر کدام از پدران و اجداد من بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را به گردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می‌کنم، بیعت هیچ‌یک از گردن کشان و

۱. سوره مائدہ (۵)، آیه ۱۰۱

طاغوت‌های زمان را بر گردن ندارم».

\* \* \*

«وَأَمَا وَجْهُ الِّإِنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي فَكَالِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا  
عَنِ الْأَبْصَارِ السُّحَابُ وَإِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ  
أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا السُّؤَالَ عَمَّا لَا يَعْنِيْكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا  
عَلَى مَا قَدْ كَفَيْتُمْ وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَاجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُوكُمْ  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى؛<sup>۱</sup>

اما نحوه استفاده و انتفاع از وجود من در زمان غیبت  
کبرا همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است.  
(یعنی اگرچه خورشید در زیر ابرهای متراکم پنهان است  
ولی از نور و حرارت آن همگان استفاده می کنند و اگر  
همان نباشد، دیگر روز نیست و چون شب تار است).

آگاه باشید که وجود من، موجب بقای کره زمین و  
امان برای همه مخلوقات است، همچنان که ستارگان  
موجب امان اهل آسمانند. بنابراین درهای سؤال را بر  
آنچه برای شما سودی ندارد و آن را از شما نخواسته‌اند،  
بیندید)».

برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج  
شما در همین دعا کردن است. و سلام بر تو ای اسحاق بن

۱. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۷۶.

یعقوب و بر هر که راه هدایت در پیش گیرد.

\* \* \*

### توقيع حضرت بقیة الله(ع) برای جمعی از شیعیان

جناب محمد بن عثمان نایب خاص حضرت مهدی(ع)

میسان جمعی از شیعیان در مورد نقش ائمه: درباره خلقت موجودات اختلافی پدید آمد که خلاصه ماجرا بدین شرح است:  
برخی از آنان می گفتند: ائمه خلق می کنند و روزی می دهند. عده دیگری معتقد بودند که غیر از ذات باری تعالی، محال است کس دیگری بتواند موجودی را خلق کند. گروه دیگری را عقیده این بود که خداوند متعال به ائمه قدرت می دهد تا خلق کنند و روزی بدهند. دامنه اختلاف بالا گرفت و بالآخره پیشنهاد شد به جناب محمد عثمان نایب خاص حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشیریف، مراجعه کنند و توسط ایشان عرضه ای به پیشگاه مقدس امام زمان روحی له الفداء تقدیم دارند. در جواب به سوال آنها حضرت پاسخ دادند که:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَقَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجَسْمٍ وَلَا حَالٌ فِي جِسْمٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَ

يَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ إِيجَابًا لِمَسْئَلَتِهِمْ وَاعْظَامًا لِحَقِّهِمْ<sup>۱</sup>  
خداوند متعال آفریننده تمامی مخلوقات و روزی  
دهنده همه آنهاست. او جسم نیست و مثل و مانند  
ندارد و شنوا و داناست. اما ائمه معصومین، سلام الله  
علیهم اجمعین، سؤال و درخواست می کنند و خداوند  
موجودات را خلق می کند و از ذات مقدس او تقاضا  
می کنند و او به خاطر احترام و مقامات عالیه آنان، احابت  
فرموده و [به آنها] روزی می دهد».

\* \* \*

### توقيع مبارک حضرت صاحب الامر (ارواحنا له الفداء) به افتخار جمعی از شیعیان

میان جماعتی از شیعیان و پسر ابی غانم قزوینی در مورد  
جانشینی حضرت امام حسن عسکری(ع) اختلاف افتاد. پسر ابی  
غانم گفت: امام حسن عسکری(ع) در حالی که فرزندی پس از  
خودشان نداشتند [بدون یادگار و جانشین] درگذشتند. سپس  
توسط یکی از نواب خاص عریضه ای به پیشگاه مقدس حضرت  
ولی عصر، ارواحنا له الفداء تقدیم نمودند. در پاسخ حضرت  
بقیة الله(ع) چنین فرمودند:

۱. شیخ طوسی، الغیة، ص ۱۷۸.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُم مِّنَ الضَّلَالِ وَ  
الْفَتْنِ وَوَهَبَ لَنَا وَلَكُم رُوحُ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِيَّاكُم مِّنْ سُوءِ  
الْمُنْقَلِبِ. إِنَّهُ أَنْهَى إِلَيْهِ ارْتِيَابَ جَمَاعَةٍ مِّنْكُمْ فِي الدِّينِ وَمَا  
دَخَلُوكُم مِّنَ الشَّرِّ وَالْحَيْرَةِ فِي وُلَادَةِ أُمُورِهِمْ، فَغَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا  
لَنَا وَسَاءَنَا فِيْكُمْ لَا فِيْنَا.

لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا وَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوْحِشَنَا  
مِنْ قَعْدَ عَنَا وَنَحْنُ صَنَاعُ رِبَّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَاعُنَا.

يَا هُؤُلَاءِ، مَا لَكُمْ فِي الرَّيْبِ تَرَدُّدُونَ وَفِي الْحَيْرَةِ تَشْعُكُسُونَ.  
أَوْ مَا سَمِعْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَا أَطْبَعُوا اللَّهَ وَ  
أَطْبَعُوا الرَّسُولَ وَأَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

أَوْ مَا عِلْمَتُمْ مَا جَاءَتْ بِهِ الْآثَارُ مِمَّا يَكُونُ وَيَحْدُثُ فِي أَئِمَّتِكُمْ  
عَنِ الْمُاضِينَ وَالْبَاقِينَ مِنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَالِمَ تَأْوِيلَنَّ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا  
تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِيُّ (ع)؛  
كُلُّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأْتُمْ وَإِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَلَمَّا قَبَضَهُ اللَّهُ  
إِلَيْهِ ظَنَّتُمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَبْطَلَ دِينَهُ وَقَطَعَ السَّبِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ  
خَلْقِهِ، كَلَّا، مَا كَانَ ذَلِكَ وَلَا يَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَيَظْهَرَ  
أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَهُمْ كَارِهُونَ.

وَإِنَّ الْمَاضِيَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضِيَ سَعِيدًا فَقِيدًا عَلَى مِنْهَاجِ آبائِهِ

١. سورة نساء (١٤)، آية ٥٩.

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذْوَ النَّغْلِ بِالنَّغْلِ، وَفِينَا وَصِيتَةٌ وَعِلْمُهُ، وَمَنْ  
هُوَ خَلْفُهُ وَمَنْ هُوَ يَسْدُدُ مَسْدَدًا، لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعَهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ،  
وَلَا يَدْعُونِيهِ دُونَنَا إِلَّا جَاهِدٌ كَافِرٌ، وَلَوْلَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ تَعَالَى لَا  
يُغْلِبُ وَسِرَّهُ لَا يُظْهِرُ وَلَا يُعْلَمُ لَظَاهِرٌ لَكُمْ مِنْ حَقْنَا مَا تَبَيَّنَ مِنْهُ  
عُقُولُكُمْ وَيُزِيلُ شُكُوكُكُمْ، لِكُنَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَلِكُلِّ أَجَلٍ  
كَتَابٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِضْدَارُ  
كَمَا كَانَ مِنَّا الْأَيْرَادُ.

وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ، وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ  
وَتَعْدِلُوا إِلَى الشُّعَالِ وَاجْعَلُوا قَضَدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى الشُّرْءَةِ  
الْوَاضِحَةِ فَقَدْ نَصَختُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيْهِ وَعَلَيْكُمْ وَلَوْلَا مَا  
عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ، لَكُنَّا عَنْ  
مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ فِيمَا قَدِ امْتَحَنَّ بِهِ مِنْ مُنَازِعَةِ الظَّالِمِ الْعُتُلِّ  
الْطَّالِ الْمُسْتَابِعِ فِي غَيْرِهِ. الْمُضَادُ لِرَبِّهِ، الدَّاعِي مَا لَيْسَ لَهُ، الْجَاهِدُ  
حَقُّ مَنِ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، الظَّالِمُ الْغَاصِبُ وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أَنْسُوْةُ حَسَنَةٌ، وَسَيْرُدَى الْجَاهِلُ رِدَاءَةً  
عَمَلِهِ وَسَيَعْلَمُ الْكَافِرُ لِمَنْ عَقْبَى الدَّارِ. عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنْ  
الْمَهَالِكِ وَالْأَسْوَاءِ وَالآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ كُلُّهَا بِرَحْمَتِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ  
ذِلِّكَ وَالْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَكَانَ لَنَا وَلَكُمْ وَلِيَّا وَحَافِظَا وَ  
السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا<sup>۱</sup>  
 به نام خداوند بخشاینده مهریان. خداوند همه ما و  
 شما را از گمراهی و فتنه‌ها با عافیت نجات دهد و به ما  
 و شما روح یقین [به خداوند و رسول و قرآن] عنایت  
 فرموده، از بداندیشی در انتخاب راه زندگی و بدفر جامی،  
 در پناه خودش حفظ فرماید. به من خبر رسید که گروهی  
 از شما درباره ولی امر و امام زمان خویش دچار شک و  
 حیرت شده‌اید. از این جهت غمگین شدم ولی نه برای  
 خودم بلکه برای شما و ناراحت شدم البته برای خود  
 شما، نه برای ما.

زیرا خداوند متعال با ماست و ما به جز ذات مقدس  
 وی به چیزی نیاز نداریم و حق همه جا با ماست.  
 بنابراین، اگر گروهی [یا همه مردم دنیا] با ما قطع رابطه  
 کنند، هرگز در ما وحشتی ایجاد نمی‌کند. برای چه و  
 به چه جهت دچار وحشت شویم؛ در حالی که خداوند  
 متعال، ما خاندان رسالت و امامت را به ید قدرت خویش  
 خلق و در مکتب مخصوص خود تربیت فرموده است و  
 همه موجودات به طفیل وجود ما و بر حسب خواست ما  
 آفریده شده‌اند؟

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۷۲.

## کلام مهدوی

ای گروه شیعه! چه موجب شده است که در وجود  
ما شک و تردید کنید و در حیرت باشید؟ آیا فرمایش  
خداوند متعال را در قرآن کریم نشنیده‌اید که فرموده  
است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرمان خداوند  
و رسول گرامی او و صاحبان امر [ولایت] را اطاعت  
کنید»؟

آیا از آثار وجودی و اخبار آنچه که برای ائمه  
معصومین شما، علیهم السلام از گذشتگان و آنان که باقی  
هستند، پیش آمده است و روایات ایشان بی اطلاع‌اید و  
نمی‌دانید؟

(شیعه باید از آنچه برای ائمه سلام الله علیهم اجمعین پیش  
آمده است؛ اگر چه به طور اختصار و اجمال، آگاهی داشته باشد  
و از این رهگذر ائمه معصومین(ع) را بشناسد).

آیا ندیدید خداوند متعال چگونه از بد و خلقت آدم(ع)  
پناهگاه و معقل و پرچم‌های هدایتی برای شما قرار داد؟  
(کنایه از سلسلة جلیله انبیاء و اولیاء(ع) است). هر گاه  
یکی از پرچم‌های هدایت به زمین می‌افتد پرچم دیگری  
به اهتزاز در می‌آمد و هر زمان که یکی از ستارگان  
درخشان آسمان توحید و نبوت و امامت غروب می‌کرد،  
ستاره فروزان دیگری به جای او طلوع می‌نمود. پس

آنگاه که پدرم از دنیا رفت، گمان کردید که خداوند بزرگ دین خود را باطل و بی‌سروپرست گذاشته و رشته ارتباط بین خود و مخلوقاتش را قطع کرده است. نه چنین است. نه در گذشته این طور شده و نه در آینده این طور خواهد شد، بلکه ارتباط میان خداوند و مخلوقاتش تا روز قیامت همواره برقرار خواهد بود؛ اگرچه دشمنان خداوند از این امر کراحت داشته و ناراحت باشند.

پدرم حضرت امام حسن عسکری(ع) سعادتمندانه و در حالی که روش آباء و اجداد گرامی اش را دقیقاً در زندگی خویش و همه مردم پیاده فرمود، از این جهان در گذشت. وصایا و علم آن حضرت در نزد ماست که جانشین و ادامه دهنده راه او هستیم. هر کس که در امر امامت با ما منازعه کند، ستمگر و گناهکار است و هر که این مقام را ادعا کند، کافر است و اگر نه این بود که امر خداوند بر همه غالب است و سر بزرگ الهی نباید فاش گردد، مسلماً ما حق خود را بر شما چنان ظاهر می‌کردیم که عقل شما آن را درک کرده، شک و تردیدتان از بین برود و البته هر چه که خداوند اراده فرموده، همان خواهد شد. برای هر مدتی، کتاب مخصوصی است [که در عالم غیب نوشته شده است]. (شاید اشاره به مدت غیبت و

## کلام مهدوی

زمان ظهور باشد که خداوند به آن آگاه است و البته خود آقا، حضرت بقیة‌الله(ع) هم می‌دانند که چه زمانی ظهور خواهند کرد و باید بدانند). از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید و امر [امامت] را به ما واگذارید که صدور آن بر ماست، همان گونه که همه لطف‌های آن از جانب ماست (تمام خیرات از جانب ماست).

در برداشتن پرده از اسراری که بر شما پوشیده است، نکوشید واز راه راست منحرف نشوید و به سمت راست و چپ متمایل نگردید. هدف و مقصد خود را بر اساس دوستی و محبت با ما قرار دهید (یعنی هدف شما، ما باشیم) و راه روشن را دنبال کنید. آنچه لازمه محبت و نصیحت بود، به شما گفتم و خداوند بر من و شما گواه است و اگر نسبت به شما محبت نداشتیم و به خاطر ترحم و شفقت نبود، حتماً سخن گفتن با شما را ترک می‌کردیم و البته که تعدی ستمگران پرخور به حقوق ما، برای امتحان است.

آن ستمگری که در مقابل خداوند بزرگ سرکشی کرد و مدعی مقامی شد که برای او نبود [و ادعای امامت کرد] (شاید اشاره به ادعای جعفر باشد) و در مقابل کسی که اطاعت از او واجب بود، ایستاد. و در جریان غصب حق

## فهرست مطالب

- بخش اول: سخنان حضرت بقیة الله(عج) قبل و بعد از تولد..... ۹
- سخن گفتن حضرت بقیة الله(عج) در رحم مادر..... ۱۱
- سخنان حضرت بقیة الله(عج) پس از ولادت..... ۱۲
- سخنان مصلح جهان، امام زمان(ع) در ساعات اولیه ولادت:..... ۱۳
- سخنان امام زمان(ع) هنگام ولادت ..... ۱۵
- سخن گفتن حضرت بقیة الله(عج) در ساعات اولیه ولادت..... ۱۶
- سخنان حضرت صاحب الزَّمان(ع) در اولین روز ولادت..... ۱۷
- سخنان امام عصر(ع) خطاب به احمد بن اسحاق و اشعری قمی. ۱۸
- سخنان امام عصر(عج) در کنار بدن پدر گرامیشان..... ۳۸
- بخش دوم: توقیعات صادر شده از پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در غیبت صغرا و کبرا..... ۴۱
- توقيع مبارک از ناحیه مقدسه به افتخار محمدبن عثمان (رض) ... ۴۳
- توقيع مبارک حضرت صاحب الزَّمان(ع) به جناب عمری ..... ۴۷
- توقيع حضرت بقیة الله(ع) در مورد خضرین ابی صالح:..... ۵۳
- توقيع حضرت صاحب الامر(ع) به افتخار اسحاق بن یعقوب ..... ۵۵
- توقيع حضرت بقیة الله(ع) برای جمعی از شیعیان..... ۶۲

مسلم دختر رسول خدا(ص) (غصب فدک) برای من یک نوع تأسی و پیروی وجود دارد و آن نادان به زودی نتیجه عمل پست خود را خواهد دید و کفار نیز جایگاه خود را در جهنم خواهند دید. خداوند ما و شما را از جمیع بلیات و آفات و بدی‌ها محفوظ دارد و او بر همه چیز تواناست و او نگهبان و حافظ ما است و بر همه اوصیا و اولیا و بندگان صالح خداوند به ویژه بر محمد و خاندان پاک او سلام و درود باد.

\* \* \*

توقيع مبارک حضرت بقیة الله(ع) به جناب احمد بن اسحاق

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَتَانِي كِتَابُكَ أَبْقَاكَ اللَّهُ، وَ الْكِتَابُ الَّذِي أَنْفَدْتُهُ دَرْجَةً وَ أَحاطْتُ  
مَعْرِفَتِي بِجَمِيعِ مَا تَضَمَّنَهُ عَلَى اختِلافِ الْفَاظِ وَ تَكْرَرِ الْخَطَا  
فِيهِ، وَ لَوْ تَدَبَّرْتُهُ لَوَقَفْتُ عَلَى بَعْضِ مَا وَقَفْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ وَ الْحَمْدُ  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا لَا شَرِيكَ لَهُ عَلَى إِخْسَانِهِ إِلَيْنَا، وَ فَضْلِهِ  
عَلَيْنَا، أَبَيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا اتَّمَاماً.  
وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا ذُهُوقًا وَ هُوَ شَاهِدٌ بِمَا أَذْكُرُهُ وَ لَيَعْلَمُكُمْ بِمَا أَقُولُهُ  
إِذَا اجْتَمَعْنَا لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ يَسْأَلُنَا عَمَّا نَحْنُ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ.

أَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِصَاحِبِ الْكِتَابِ عَلَى الْمُكْتُوبِ إِلَيْهِ وَلَا عَلَيْكَ وَ  
لَا عَلَى

أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ جَمِيعاً اِمَاماً مُفْتَرَضَةً وَلَا طَاعَةً وَلَا ذِمَّةً وَ  
سَائِئَنَ لَكُمْ جُمْلَةً تَكْتَفُونَ بِهَا اِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

يَا هَذَا، يَرْحَمُكَ اللَّهُ، اِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبْرَنَا وَلَا  
أَهْمَلَهُمْ سُدَىٰ بَلْ خَلَقُوهُمْ بِقُدرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعاً وَأَبْصَاراً  
وَقُلُوبًا وَالْبَابَاتُ ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُبَشِّرِينَ وَ  
مُنذِرِينَ، يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَيَنْهَاوْنَهُمْ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَيُعَرِّفُونَهُمْ مَا  
جَهِلُوهُ مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَاباً.

وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِيَنَّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ  
الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَمَا آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَالِ الظَّاهِرَةِ وَ  
الْبَرَاهِينِ الْبَاهِرَةِ وَالآيَاتِ الْغَالِبَةِ فَمِنْهُمْ مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا  
وَسَلَاماً وَاتَّخَذَهُ خَلِيلًا وَمِنْهُمْ مَنْ كَلَمَهُ تَكْلِيمًا وَجَعَلَ عَصَاهُ  
نَعْبَانًا مُبِينًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخْبَى الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَ  
الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَمِنْهُمْ مَنْ عَلِمَ مِنْ طِيقَ الطَّيْرِ وَأُوتِيَ مِنْ كُلِّ  
شَيْءٍ.

ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً للْعَالَمِينَ وَتَمَّ بِهِ  
نِعْمَتُهُ وَخَتَمَ بِهِ أَنْبِياءَهُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَةً وَأَظْهَرَ مِنْ  
صِدْقِهِ مَا أَظْهَرَ وَبَيْنَ مِنْ عَلَامَاتِهِ مَا بَيْنَ ثُمَّ قَبَضَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ حَمِيدًا فَقِيدًا سَعِيدًا وَجَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ

وَوَصِيَّهُ وَوارِثِهِ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ  
مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا وَاحِدًا، أَخْسِى بَعْضِهِمْ دِينَهُ، وَأَتَمَّ بَعْضِهِمْ نُورَهُ وَجَعَلَ  
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَخْوَانِهِمْ وَبَنِي عَمِّهِمْ وَالْأَدْنِينَ فَالْأَدْنِينَ مِنْ ذُوِي  
أَرْحَامِهِمْ فُرْقَانًا يُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ الْمَخْجُوحِ وَالْإِمَامُ مِنَ  
الْمَأْمُومِ بِأَنَّ عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَأَهُمْ

مِنَ الْغَيْوَبِ وَطَهَرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَنَزَّهَهُمْ مِنَ الْلَّبَسِ وَجَعَلَهُمْ  
خُزَانَ عِلْمِهِ وَمُسْتَوْدِعَ حِكْمَتِهِ وَمَوْضِعَ سِرُّهُ وَأَيَّدَهُمْ بِالدَّلَائِلِ  
وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ وَلَادَعَى أَغْرِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كُلَّ  
أَحَدٍ وَلَمَا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا الْعَالَمُ مِنَ الْجَاهِلِ.

وَقَدِ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرِى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلَا  
أَذْرِى بِأَيَّةٍ حَالَةٍ هِيَ لَهُ رَجَاءٌ أَنْ يُتَمَّ دَعْوَاهُ، أَبْقَفَهُ فِي دِينِ اللَّهِ؟  
فَوَاللَّهِ مَا يَعْرِفُ حَلَالًا مِنْ حَرَامٍ وَلَا يَفْرُقُ بَيْنَ خَطَاً وَصَوَابِ  
أَمْ بِعِلْمٍ؟ فَمَا يَعْلَمُ

حَقًا مِنْ بَاطِلٍ وَلَا مُخْكَمًا مِنْ مُتَشَابِهٍ وَلَا يَعْرِفُ حَدَّ الْصَّلْوةِ  
وَوَقْتَهَا. أَمْ بِوَرَاعٍ، فَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى تَرْكِهِ الصَّلْوةِ الْفَرْضِ أَرْبَعينَ  
يَوْمًا يَزْعُمُ ذَلِكَ لِطَلَبِ الشَّعُودَةِ وَلَعَلَّ خَبْرَهُ قَدْ تَأَدَّى إِلَيْكُمْ  
وَهَا تِيكَ ظُرُوفَ مَسْكِرِهِ مَنْصُوبَةً وَآثَارُ عِضْيَانِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ  
مَشْهُورَةً قَائِمَةً.

أَمْ بِأَيَّةٍ؟ فَلِيَأْتِ بِهَا. أَمْ بِحُجَّةٍ فَلِيُقْنِمَهَا. أَمْ بِدِلَالَةٍ فَلِيَذْكُرُهَا. قَالَ  
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حَمَّ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ  
الْحَكِيمِ. مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ  
وَأَجَلٌ مُسَمَّىٌ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ. قُلْ أَرَأَيْتُمْ  
مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونَى مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ  
شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اثْنَوْنِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةً مِنْ  
عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَمَنْ أَضَلُّ مِنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ  
لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ وَإِذَا  
خُشِّرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَغْدَاءٌ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ».<sup>١</sup>

فَالثَّمَنُ، تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ، مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَ  
امْتَحِنْهُ وَسَلِّهُ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرُهَا أَوْ صَلْوةٍ فَرِيَضَةٍ  
يُبَيِّنُ حُدُودَهَا وَمَا يَجِبُ فِيهَا لِتَعْلَمَ حَالَهُ وَمِقْدَارَهُ وَيَظْهَرَ لَكَ  
عَوَارَهُ وَنُقْصَانَهُ وَاللَّهُ حَسِيبُهُ،

حَفِظَ اللَّهُ الْحَقُّ عَلَى أَهْلِهِ، وَاقْرَأْهُ فِي مُسْتَقْرَرٍ وَقَدْ أَبَى اللَّهُ  
عَزَّ وَجَلَّ أَنْ تَكُونَ الْأِمَامَةُ فِي أَخْوَينِ بَعْدَ الْحَسِينِ وَالْحُسَينِ  
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَإِذَا اذِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقُولِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ  
الْبَاطِلُ، وَانْحَسَرَ عَنْكُمْ، وَإِلَى اللَّهِ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَجَمِيلِ  
الصُّنْعِ وَالْوِلَايَةِ، وَحَسِبَنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ<sup>٢</sup>؛

١. سورة الحجّاف (٤٦)، آيات ١-٦.

٢. شيخ طرسى، الغيبة، ص ١٧٤.

احمد بن اسحاق می‌گوید: از جعفر بن علی نامه‌ای به دست من رسید که طی آن ادعا کرده بود، به علم دین (حلال و حرام) و نیز کلیه علوم و آنچه که مردم بدان نیازمندند، آگاهی دارد. پس از اینکه نامه را خواندم، عرضه‌ای به پیشگاه مقدس حضرت امام عصر(ع) نگاشته، نامه جعفر را نیز در کنار آن قرار دادم. متعاقباً از ناحیه مقدسه، جوابی بدین شرح واصل شد:

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند تو را پایدار بدارد. نامه تو و ضمیمه آن (نامه جعفر) به من رسید و از مضمون آن که با اختلاف الفاظ و استباهات بسیار توأم بود، مطلع شدم و اگر شما هم دقّت کرده بودید به برخی از آنها آگاه می‌شدید. حمد و ثنا مختصّ ذات پاک خداوند متعال، پروردگار جهانیان است که برای او شریکی در احسان وی نسبت به ما و فضلش بر ما نیست. خداوند عزّوجلّ، مقدّر و معین فرموده است که حقّ به مرحلة نهایی و کمال خود برسد. (پرچم حقّ در سراسر جهان هستی به دست ما به اهتزاز در آید). و خداوند اراده فرموده است که باطل از بین بسرود و او بسر آنچه بیان نمودم گواه است و آنچه که تذکر می‌دهم در روز قیامت بر شما حاجت خواهد بود

و از آنچه که در آن اختلاف داشتیم، سؤال خواهد کرد.  
خداوند، برای صاحب آن نامه (جعفر) هیچ گونه مقام و  
حقی بر ما و شما و بر دیگر مخلوقات قرار نداده است  
و اطاعت او واجب نیست (آنچه در نامه اش ادعاه کرده،  
همگی دروغ است) و من طی یک جمله مطلب را به نحو  
کافی و کامل بیان خواهم کرد. ان شاء الله.

ای احمد بن اسحاق! خداوند تو را از رحمت  
بی نها یتش بهره مند سازد. خداوند متعالی خلائق را بیهوده  
نیافریده و آنان را مهملاً نگذاشته است، بلکه آنان را به  
قدرت کامله خویش آفریده (زیر بنای خلفت عالم هستی  
و موجودات، قدرت بی پایان خداوندی است) و برای  
رسیدن به کمال واقعی، اسباب تکامل را به آنان مرحمت  
فرموده است: از جمله برای شنیدن حقایق، گوش و برای  
دیدن آیات الهی، چشم و برای درک حقایق و تمیز باطل  
از حق، قلب و عقل عنایت فرمود [و اینها راهنمایان  
باطنی هستند] و سپس سلسله جلیل انبیاء، علیهم السلام  
را برانگیخت که به نعمت‌های او در آخرت و الطاف وی  
در این دنیا بشارت دهند و از عذاب او مردم را بترسانند  
و افراد جامعه را به اطاعت و فرمانبرداری از خداوند  
دستور دهند و از نافرمانی و مخالفت وی بر حذر دارند

و آنچه که در شناخت خداوند و دین مقدس اسلام مؤثر است، در اختیارشان قرار داده تا با عوامل جهل و نادانی مبارزه کنند و از دیگر الطاف بزرگ الهی، فرو فرستادن قرآن کریم است که تمام موجبات خوشبختی و سعادت و همه عوامل بدبختی و شقاوت را بیان می‌دارد.

دیگر از ابزار کمال، فرو فرستادن ملائکه است در میان مردم و کسانی که از طرف خداوند برای هدایت آنان مبعوث شده‌اند، که خود فضل الهی بر همه آنها (انبیاء و مردم) است. همچنین از نشانه‌های قدرت الهی آن است که دلایل و براهین منطقی و معجزاتی به وسیله انبیاء و پیامبران به منصه ظهور رسیده است (هر یک از پیامبران معجزه‌ای داشته‌اند که بدان وسیله دشمنان و منکران را مخدول و منکوب کرده‌اند)، از جمله برای برخی از آنان (حضرت ابراهیم(ع)) آتش را گلستان نمود و او را خلیل خویش قررا داد. با دیگری (حضرت موسی علی نبینا و آله و (ع)) سخن گفت و عصایش را ازدهایی مهیب نمود. پیامبر دیگری (حضرت عیسی(ع)) با اجازه خداوند، مرده‌ها را زنده می‌نمود و بیماری‌ها (پیسی و جذام و غیره) را شفا می‌داد و به برخی دیگر از انبیاء (حضرت سلیمان(ع)) زبان حیوانات را آموخت و برای

دستیابی به هر چیز، وسیله مناسب در اختیار آنها قرار می‌داد.

سپس حضرت محمد(ص) را به رسالت مبعوث فرمود و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود مقدسش را برای همه جهانیان رحمت واسعة الهی قرار داد. آنچه که می‌باید، با راستگویی و صداقت ظاهر نمود و علائم و آیات و نشانه‌های قدرت خداوندی را آن گونه که لازم بود، بیان داشت و در حالی که تمام خوبی‌ها که در سعادت هر انسانی مؤثر است، در وجود گرامیش جمع بود، از این جهان رحلت فرمود و پس از او خداوند بزرگ امر اسلام و مسلمانان و خلافت و امامت را به برادر، پسر عمّ، وصی و وارث وی، علی بن ابی طالب و پس از آن حضرت، به فرزندانش یکی پس از دیگری سپرد تا با تعلیمات و راهنمایی‌های ائمه معصومین(ع) دین خود را زنده و نور خود را تمام کند و در میان فرزندان آن حضرت و برادران و پسر عمومها و خویشان آنها تفاوت‌های روشن و آشکاری قرار داد تا امام از مأمور و حجت خدا از غیر او شناخته شوند.

آری، بدین طریق امام از مأمور و حجت خدا از کسی که باید از وی متابعت نماید، شناخته شدند. برخی از

امتیازات و برجستگی‌ها و ویژگی‌های ائمّه معصومین به قرار زیر است:

- مقام عصمت دارند. (یعنی هرگز مرتکب گناه و خطأ و لغش نشوند و این به اختیار خود آنان است نه اینکه در ترک گناه مجبور باشند):
- جانشینان رسول اکرم(ص) از تمام عیوب [ظاهری و باطنی] مبرّی و منزّه‌اند:
- برگزیدگان خدا و رسول او از تمام پلیدی‌ها برکنارند:
- ذوات مقدّسه ائمّه(ع) از همه عوارض نفسانی به دورند:
- اوصیای رسول گرامی، گنجینه‌های علوم خداوند بزرگند:
- حجّت‌های خداوند پس از خاتم انبیاء(ص) باید مرکز حکمت‌های الهی باشند:
- اوصیای دوازده‌گانه پیامبر بزرگ باید مرکز اسرار الهی باشند. (تمام اسرار عالم توحید در اختیار آنان است).
- این ذوات مقدّسه به وسیله دلایل و براهین و معجزات و کراماتی که خداوند متعال در اختیارشان

قرار داده است، مؤید به تأییدات الهی هستند و اگر این ویژگی‌ها را نداشتند با دیگران مساوی بودند و حق برتری از آنان سلب می‌شد.

با این تفصیل و خصوصیات او صیای رسول اکرم (ص) که برای شما نقل کردم، این پیرو باطل و دروغ‌گو (جعفر و ادعای باطل او) بر خداوند افترا بسته است. این شخص با امید به چه چیزی می‌خواهد این ادعای عاری از حقیقت خود را ثابت کند؟ آیا با اطلاعاتی که در احکام الهی دارد؟ به خدا قسم این فرد آن قدر بی اطلاع است که حلال و حرام را نمی‌شناسد و میان بد و خوب فرق نمی‌گذارد. آیا به دانش خود تکیه دارد؟ او به قدری تهی دست است که حق و باطل را نمی‌شناسد، محکم و متشابه را نمی‌داند و از احکام نماز، حتی وقت آن آگاهی ندارد. آیا این مدعی فاقد صلاحیت، به ورع و تقوای خویش تکیه می‌کند؟ خداوند شاهد است که نماز واجب خویش را برای اینکه شعبده بازی یاد بگیرد ترک نموده است. حتماً از ظروف مشروب و آثار دیگری از گناهان او که مشهور است، اطلاع دارد.

آیا این شخص، برای اثبات مدعای خود، آیه‌ای از قرآن یا حجتی دارد؟ اگر این چنین است پس بیان کند و

توقيع حضرت صاحب الامر(ع) به افتخار جمعی از شیعیان ..... ۶۳
توقيع مبارک حضرت بقیة الله(ع) به جناب احمد بن اسحاق ..... ۷۰
توقيع مبارک امام زمان(ع) در ارتباط با «شلمگانی» مطروح ..... ۸۱
نامه حمیری به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله(ع) ..... ۸۴
توقيع حضرت مهدی(ع) در بزرگداشت شیخ مفید ..... ۸۷
توقيع حضرت بقیة الله (ره)، خطاب به شیخ مفید(ره) ..... ۸۸
توقيع دیگر حضرت بقیة الله(ع) به افتخار شیخ مفید(ره) ..... ۹۳
توقيع مبارک امام زمان(عج)، به افتخار شیخ مفید(ره) ..... ۹۵
توقيع حضرت بقیة الله(عج) به افتخار ابی صالح خجندي ..... ۱۰۱
فرمان حضرت ولی عصر(ع) برای همه ..... ۱۰۱
توقيع امام زمان(ع) به افتخار محمد بن هلال کرخی ..... ۱۰۸
آخرین توقيع امام زمان(ع) به جناب علی سمری ..... ۱۱۴
<b>بخش سوم: بیانات حضرت بقیة الله در روزهای اول ظهور ..... ۱۱۷</b>
اولین خطبه و اعلامیه حضرت بقیة الله در روز اول ظهور ..... ۱۱۹
خطبه دوم حضرت بقیة الله(ع) در روزهای اول ظهور ..... ۱۲۲
«اعلامیه جهانی» حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفدا ..... ۱۲۴
خطبه سوم از حضرت مهدی(ع) ..... ۱۲۴
از جمله سخنان حضرت قائم(ع) هنگام ظهور ..... ۱۲۸
اولین دعای حضرت ولی عصر(عج) در روزهای اول ظهور ..... ۱۲۸
سخنان حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء هنگام قیام ..... ۱۳۲

اگر دلیل دیگری دارد، بیاورد، چنان که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«به نام خداوند بخشندۀ مهربان این کتابی است نازل شده از سوی خداوند مقتدر حکیم. ما آسمان‌ها و زمین و آنچه که در بین آسمان‌ها و زمین است، همه را جز به حق و مدتی که نام برده شده، نیافریدیم و آنها که کافر گشته‌اند، از آنچه آنها را ترسانیدند، دوری گزینند. به آنها بگو به من نشان دهید آنها بی را که غیر از خدای یگانه می‌خوانند، چه چیز از زمین را آفریده‌اند؟ مگر در خلقت آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ کتابی را که پیش از این [قرآن] آمده باشد [و در آن نوشته باشد که آنها در خلقت آسمان‌ها دخالت داشته‌اند] و یا علامتی که موجب یقین به این معنی باشد، اگر راست‌گو هستید، بیاورید. کیست گمراه‌تر از کسی که غیر از خدای یگانه را می‌خواند و تا روز قیامت دعایش مستجاب نمی‌شود؟ و آن خدایان باطل، از اینکه آنها را می‌خوانند غافلند. وقتی این مردم برانگیخته شدند، همین خدایان دشمن آنهاخواهند بود و عبادت آنها را انکار می‌کنند».

خداوند تو را توفیق دهد، آنچه برایت گفتم از این ستمکار ظالم بپرس و او را آزمایش کن. از یکی از آیات

## کلام مهدوی

قرآن و تفسیر آن از وی سؤال نما یا از نماز و شرایط آن از او باز پرس تا به معایب و کمبودهای او پی بیری و حال او را بدانی و خداوند کفايت کننده است. خداوند حق را برای اهلش حفظ می کند و آن را در جایگاهش قرار می دهد.

خداوند متعال پس از حضرت امام حسن و امام حسین، علیهم السلام، امامت را در دو برادر قرار نداده است. (یعنی پس از امام حسن و امام حسین علیهم السلام که دو برادر و هر دو امام بودند، دیگر دو برادر از خاندان رسول گرامی امام نبودند و این امکان وجود ندارد) و آنگاه که خداوند اجازه فرماید که ما سخن گوییم، حق ظاهر خواهد شد و باطل از میان خواهد رفت. البته توجه ما به خداوند بزرگ و الطاف اوست و ذات مقدسش بهترین وکیل برای ما است و درود بر حضرت محمد و خاندان پاک و طاهر او باد».

\* \* \*

## توقيع مبارڪ امام زمان(ع) در ارتباط با «شلمغانی» مطرود

محمدبن داود قمی می گوید: نامه‌ای به خط احمد بن ابراهیم و املای حسین بن روح، رضوان الله علیه، دیدم که در آن پاره‌ای

از مسائل و اصله از قم و جواب آنها نوشته شده بود. به طوری که گفته می شد شخصی به نام محمدبن علی شلمغانی ادعا می نمود که مسائل مزبور را وی پاسخ گفته است. در مورد اینکه جواب مسائل یاد شده از ناحیه مقدسه امام عصر، عجل الله تعالی فرجه الشَّرِيف، می باشد یا از طرف شلمغانی، استعلام نمودند و در نتیجه این توقيع در تکذیب و رد گفتار شلمغانی، لعنة الله عليه،

صادر شد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قَدْ وَقَفْنَا عَلَى هَذِهِ الرُّقْعَةِ وَ مَا تَضَمَّنَتْهُ فَجَمِيعُهُ جَوَابُنَا وَ لَا  
مَذْخَلٌ لِلْمَخْذُولِ الضَّالُّ الْمُضْلُّ الْمَعْرُوفُ بِالْعَزَاقِرِيُّ لَعْنَهُ اللَّهُ فِي  
حَرْفٍ مِنْهُ وَ قَدْ كَانَتْ أَشْيَاءُ خَرَجَتِ النِّكْمَ عَلَى يَدِي أَخْمَدِ بْنِ  
هِلَالٍ وَغَيْرِهِ مِنْ نُظَرَائِهِ وَ كَانَ مِنْ ارْتِدَادِهِمْ عَنِ الْإِسْلَامِ مِثْلُ مَا  
كَانَ مِنْ هَذَا عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ، فَأَسْتَبَّتْ قَدِيمًا فِي ذَلِكَ.  
فَخَرَجَ الْجَوَابُ أَلَا مَنِ اسْتَبَّتْ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ فِي خُرُوجِ مَا خَرَجَ  
عَلَى أَيْدِيهِمْ وَ أَنَّ ذَلِكَ صَحِيقٌ.

وَرُوِيَ قَدِيمًا عَنْ بَعْضِ الْعُلَمَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الْصَّلوةُ عَلَيْهِ  
سُئِلَ عَنْ مِثْلِ هَذَا بِعَيْنِهِ فِي بَعْضِ مِنْ غَضِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَالَ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْعِلْمُ عِلْمُنَا وَ لَا شَيْءَ عَلَيْكُمْ مِنْ كُفْرٍ مَنْ كَفَرَ فَمَا صَحَّ لَكُمْ مِمَّا  
خَرَجَ عَلَى يَدِهِ بِرِوَايَةٍ غَيْرِهِ مِنَ الثُّقَاتِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ، فَاخْمَدُوا اللَّهَ

وَاقْبُلُوهُ وَمَا شَكَنْتُمْ فِيهِ أَوْلَمْ يَخْرُجَ النِّئُكُمْ فِي ذَلِكَ إِلَّا عَلَى يَدِهِ  
فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا لِنُصْحَحَهُ أَوْ نُبَطِّلَهُ، وَاللَّهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَجَلَّ ثَنَاؤُهُ  
وَلِيُّ تَوْفِيقِكُمْ وَحَسِيبُنَا فِي أُمُورِنَا كُلُّهَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛<sup>۱</sup>

به نام خداوند بخشایندۀ مهربان

این نامه و آنچه در آن بیان شده است، به نظر ما رسید. تمام پاسخ‌هایی که طی نامه مزبور داده شده از ماست و آن گمراه مخدول (محمد بن علی شلمغانی) معروف به عزاقری، لعنة الله عليه، کوچک‌ترین دخالتی در آن نداشته است. در گذشته نیز مشابه و مانند ادعای این شخص، ادعایی توسط احمد بن هلال و امثال او شده که خود نمودار ارتداد این افراد از اسلام است. لعنت و غضب خداوند بر همه آنها باد. می‌خواستم این حقیقت قبلًا بر من روشن شود.

در خصوص عبارت «فَأَسْتَبَّتْ قَدِيمًا فِي ذَلِكَ» (می‌خواستم این حقیقت قبلًا بر من روشن شود) علامه مجلسی (ره) فرموده‌اند که ممکن است باقیمانده سؤال قبلی باشد یا اینکه سؤال دیگری باشد که اول آن افتاده است. پاسخ واصل از پیشگاه مقدس امام عصر، ارواحنا له الفداء، بدین صورت شرف صدور یافت:

«هر کس که تحقیق کند (واقع را درک کند) دیگر این

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰.

قبيل مطالب ضرري به او نخواهد داشت و از برخى ائمه معصومين، سلام الله عليهم اجمعين، نيز نظير اين ماجرا در مورد افرادی که مورد غضب الهی واقع شده‌اند، عيناً نقل شده است.

آن امام فرمودند: حقیقت علم نزد ماست و اگر کسی کافر شود، کفر او به شما ضرري نخواهد داشت. در مورد مطالبي که به وسیله افراد موثق غير از او (شلمغانی و امثال او) به شما می‌رسد، خدای را سپاسگزار باشيد و از آن شخص امين قبول نمایيد و اگر در مواردي نسبت به اعتبار آنچه نقل می‌شود يا اينکه به وسیله افراد غير موثق به دست شما می‌رسد، شک داريد، برای ما بفرستيد تا مطالب آن را برای شما تصحیح يا باطل کnim. خداوند بزرگ ولی شما و کفایت کننده همه امور ما و بهترین وکیل است».

\* \* \*

نامه محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به پيشگاه مقدس  
حضرت بقیة الله (ع)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَكَ وَ أَدَمَ عِزَّكَ وَ تَأْيِيدَكَ وَ سَعَادَتَكَ وَ سَلَامَتَكَ

وَأَتَسْمَ نِعْمَتَهُ وَزَادَ فِي أَخْسَانِهِ إِلَيْكَ وَجَمِيلٌ مَوَاهِبِهِ لَدَنِيكَ وَ  
فَضْلِهِ عِنْدَكَ وَجَعَلَنِي مِنَ الشُّوَءِ فِدَاكَ وَقَدَّمَنِي قَبْلَكَ، الْأَنَاسُ  
يَتَنَافَّسُونَ فِي الدَّرَجَاتِ، فَمَنْ قَبْلَتُمُوهُ كَانَ مَقْبُولاً وَمَنْ دَفَعْتُمُوهُ  
كَانَ وَضِيَاعاً وَالخَاطِلُ مَنْ وَضَعْتُمُوهُ وَنَعُوذُ بِاللهِ مِنْ ذَلِكَ. وَبِإِلَدِنَا  
أَيَّدَكَ اللَّهُ جَمَاعَةً مِنَ الْوُجُوهِ يَتَسَاوَونَ وَيَتَنَافَّسُونَ فِي الْمَنْزِلَةِ.  
وَوَرَدَ أَيَّدَكَ اللَّهُ إِلَى جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ فِي أَمْرٍ أَمْرَتَهُمْ بِهِ مِنْ مُعَاوَنَةٍ  
«ص» وَأَخْرَجَ عَلَيْهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَينِ بْنِ مَالِكٍ الْمَعْرُوفَ  
بِمَالِكٍ بَادُوكَةَ وَهُوَ خَتَنٌ صَرَحَهُمُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَاغْتَمَ بِذَلِكَ  
وَسَأَلْتَنِي أَيَّدَكَ اللَّهُ أَنْ أُعْلِمَكَ مَا نَالَهُ مِنْ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ مِنْ ذَنْبٍ  
إِسْتَغْفِرَ اللَّهُ مِنْهُ وَإِنْ يَكُنْ غَيْرَ ذَلِكَ عَرَفْتُهُ مَا يَسْكُنُ نَفْسَهُ إِلَيْهِ  
إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

الْتَّوْقِيع: لَمْ نُكَاتِبْ إِلَّا مَنْ كَاتَبَنَا.

محمد بن عبد الله بن جعفر حميري، عريضه ای به ناحية  
مقدسة امام عصر(ع) تقدیم داشته که خلاصه مضمون آن  
بدین قرار است:

خداؤند بزرگ عمر مبارکت را طولانی فرماید، عزت  
و تأییدات وجود مقدس است را مستدام بدارد، سلامت و  
سعادت و نعمت هایش را بر شما کامل فرماید، احسان و  
مواہب خویش را به شما فزونی بخشد، از فضل خود،  
شما را بیش از پیش برخوردار نماید و در پیش آمد های

سوء مرا فدای شما و مرگ مرا پیش از وجود مقدّست  
قرار دهد.

مردم درباره درجات و مقامات با یکدیگر بحث می کنند و آن کسی را که شما قبول بفرماید، مقبول و آن را که شما برانید، بی ارزش و پست است. هر که را شما فرمایه بدانید بدبخت دو جهان است و من از اینکه از آنها باشم، به خداوند پناه می برم. خداوند شما را مؤید بدارد. در محل ما جماعتی هستند که در مورد منزلت و مقام با یکدیگر گفت و گو می کنند و نامه‌ای از ناحیه مقدسه شما برای گروهی از آنان رسیده است که طی آن به مساعدت و یاری کردن به «ص» (ممکن است اشاره به شخص خاصی باشد) امر فرموده اید و نامی از علی بن محمد معروف به «مالک بادوکه» برده نشده است و بدین جهت او ناراحت و غمگین شده، از من خواست که جریان را به عرض شما برسانم تا اگر علت نبردن نام او گناهی بوده که مرتکب شده است، طلب آمرزش کند و اگر غیر از این باشد، بیان فرماید تا موجب آرامش خاطر او گردد. ان شاء الله تعالى.

جواب: هر کس به ما نامه نوشت، ما هم با او مکاتبه می کنیم».

### توقيع حضرت مهدی(ع) در بزرگداشت شیخ مفید

این توقيع مبارک که در قالب سه بیت شعر بر روی قبر او نقش بسته است. حضرت فرموده‌اند:

«لَا صَوْتَ النَّاعِي يُقْدِكَ أَنَّهُ  
يَوْمَ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ  
إِنْ كُنْتَ قَدْ غُيَثْتَ فِي جَدَّ الثَّرَى  
فَالْعِلْمُ وَ التَّوْحِيدُ فِيهِ مُقِيمٌ  
فَالْحُجَّةُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا تُلِيهِ  
عَلَيْكَ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومٌ؛»<sup>۱</sup>

رحلت تو بر خاندان عصمت و طهارت بسیار سخت  
است؛

اگر چه از نظرها پنهان شدی و بدن پاکت در زیر  
خاک مدفون گردید اما اساس علم و توحید در شخصیت  
وجودی تو همواره بر پاست؛

حجت خدا، مهدی(ع) از بیانات علمی و درس‌هایی  
که تو برای دانشجویان خود ایراد می‌کردی، همواره  
خشند بود».

در این سه بیت شعر، مقام مقدس امام زمان(ع) از مرگ شیخ  
مفید(ره) اظهار تأسف فرموده‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۵۵.

توقيع حضرت بقیة الله (ره)، خطاب به محمد بن نعمان  
ملقب به شیخ مفید(ره)

«لِلْأَخْ السَّدِيدِ وَالْوَلِيِ الرَّشِيدِ، الشَّيْخُ الْمُفِيدُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ  
بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ النَّعْمَانِ أَدَمَ اللَّهِ اعْزَازَهُ مِنْ مُسْتَوْدِعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ  
عَلَى الْعِبَادِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَا بَعْدُ، سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيَّهَا الْمَؤْلِسِ وَالْمُخْلُصُ فِي الدِّينِ،  
الْمَخْصُوصُ فِيهَا بِالْيَقِينِ، فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ  
نَسَأْلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا، نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ  
نُعْلَمُكَ، أَدَمَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَأَجْزَلَ مُثُوبَتَكَ عَلَى نُطْقِكَ  
عَنَا بِالصَّدْقِ، إِنَّهُ قَدْ أَذْنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمُكَاتَبَةِ.

وَتَكْلِيفَكَ مَا تُؤْدِيهِ عَنَا إِلَى مَوَالِيْنَا قِبْلَكَ، أَعْزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَ  
كَفَاهُمُ الْمُهِمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَحَرَاسَتِهِ، فَقِفْ، أَمْدَكَ اللَّهُ بِعَوْنَهِ عَلَى  
أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَكُرُهُ، وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيَتِهِ إِلَى  
مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ بِمَا نَرْسِمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا الثَّانِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ  
الَّذِي أَرَانَا اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشَيْعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي  
ذَلِكَ مَا دَامَتْ دُولَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا يُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ  
لَا يَغُرُّنَا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَمَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ  
مُذْجَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً وَنَبَذُوا

الْعَهْدُ الْمَاخُوذُ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانُوهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّا غَيْرُ  
مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَلَا نَاسِيَنَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَّلَ بِكُمْ  
اللَّوَاءُ وَاضْطَلَّمُكُمُ الْأَغْدَاءُ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى اتِّبَاعِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ  
أَنَافَتْ عَلَيْكُمْ يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حَمَّ أَجَلُهُ وَيُحْمِي عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ  
أَمْلَهُ وَهِيَ أَمَارَةٌ لِأَزْوَافِ حَرَكَتِنَا وَ(مُبَاشِتِكُمْ) بِإِمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَاللَّهُ  
مُتَّمِّنُ نُورِهِ وَلَوْكَرَهُ الْمُشْرِكُونَ.

اغْتَصِمُوا بِالْتَّقِيَّةِ مِنْ شَبَابِ الْجَاهِلِيَّةِ يَخْشُشُهَا عَصَبَ أُمُوَيَّةٍ  
تَهُولُ بِهَا فِرْقَةٌ مَهْدِيَّةٌ أَنَا زَعِيمٌ بِنَجَادَةٍ مَنْ لَمْ يَرُمْ مِنْهَا الْمُوَاطِنُ  
الْخَفِيَّةُ وَسَلَكَ فِي الطَّعْنِ مِنْهَا السُّبُلُ الرَّضِيَّةُ، إِذَا حَلَّ جُمَادِيُّ  
الْأُولَى مِنْ سَنَتِكُمْ هَذِهِ فَاغْتَبِرُوا بِمَا يَحْدُثُ فِيهِ وَاسْتَقِظُوا مِنْ  
رَقْدَتِكُمْ لِمَا يَكُونُ مِنَ الذَّى يَلِيهِ، سَتَظْهَرُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ  
جَلِيلَةٌ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلُهَا بِالسَّيُونِيَّةِ وَيَحْدُثُ فِي أَرْضِ الْمَشْرِقِ  
مَا يُخْزِنُ وَيُقْلِقُ وَيَغْلِبُ مِنْ بَعْدِ عَلَى الْعِرَاقِ طَوَافُ عَنِ  
الإِسْلَامِ مِرَاقُ، تَضِيقُ بِسُوءِ فِعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِهِ الْأَرْزَاقُ، ثُمَّ تَسْرَجُ  
الْفُمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ بِبَوَارِ طَاغُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ، يَسُرُّ بِهِلَاكِهِ الْمُتَّقُونَ  
الْأَخْيَارُ، وَيَتَفَقُّ لِمُرِيدِيِّ الْحَجَّ مِنَ الْآفَاقِ مَا يَأْمُلُونَهُ عَلَى  
تَوْفِيرِ غَلَبةٍ مِنْهُمْ وَاتِّفَاقِ، وَلَنَا فِي تَسْيِيرِ حَجَّهِمْ عَلَى الْإِخْتِيَارِ  
مِنْهُمْ وَالْوِفَاقِ شَأنٌ يَظْهَرُ عَلَى نِظامٍ وَاتِّسَاقٍ، فَلَيَعْمَلْ كُلُّ امْرِيٍّ  
مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلَيَجْتَبِ مَا يُدْنِيَهُ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ

## **بخش اول**

**سخنان حضرت بقیّة الله(عج) قبل و بعد از تولد**

## چهل حدیث

سَخَطِنَا فَإِنَّ امْرًا يَنْعَثِهُ فُجَاهَةً حِينَ لَا يَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ وَ اللَّهُ يُلْهِمُكُمُ الرُّشْدَ وَ يَلْطُفُ لَكُم بِالْتَّوْفِيقِ  
بِرَحْمَتِهِ<sup>۱</sup>

نامه‌ای به برادر با ایمان و دوست رشید ما، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان – شیخ مفید – که خداوند عزت وی را مستدام بدارد:

سلام خداوند بر تو ای کسی که در دوستی ما به زیور اخلاص آراسته‌ای و در اعتقاد و ایمان به ما دارای امتیاز مخصوصی هستی. ما در مورد نعمت وجود تو خداوند یکتا را سپاسگزاریم و از پیشگاه مقدس خداوندی استدعا می‌کنیم که بر سید و مولای ما حضرت محمد بن عبدالله(ص) و خاندان او درود و صلوات پیاپی و بی‌نهایت خویش را نازل فرماید.

از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی، خداوند این افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم. شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستان ما برسانی. خداوند عزت و توفیق اطاعت‌ش را به آنان مرحمت فرماید و مهمات آنان را کفایت کرده، در پناه

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

لطف خویش محفوظشان دارد.

با یاری خداوند متعال در مقابل دشمنان ما که از دین خداوند روی برگردانده‌اند، بر اساس تذکرات، استقامت کن و با خواست الهی، دستورات ما را به آنان که از تو می‌پذیرند و گفتار ما موجب آرامش آنها است، ابلاغ کن. با اینکه مابر اساس فرمان خداوند بزرگ و صلاح واقعی ما و شیعیانمان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است، در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم، ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می‌گذرد، کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاهای و گناهانی که بندگان صالح خداوند از آنها دوری می‌کردند، ولی اکثر شما مرتکب آن شدید نیز باخبریم. از عهدشکنی‌ها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمان‌ها با اطلاعیم [که همین عوامل موجب بدختی و دوری شما از حریم ولایت شده است]. گویی اینها از لغزش‌های خود خبر ندارند. با همه این گناهان، ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته، شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر عنایات و توجّهات مانبور، مصائب و حوادث زندگی، شما را در بر می‌گرفت و دشمنان، شما را از بین می‌بردند.

پس از خداوند بترسید و تقوا پیشه کنید و ما خاندان رسالت را مدد رسانید. در برابر فتنه‌هایی که پیش می‌آید، و البته عده‌ای در این آزمایش و برخورد با فتنه‌ها هلاک می‌شوند، مقاومت کنید و البته همه اینها از نشانه‌های حرکت و قیام ما هستند. اوامر و نواهی ما را متروک نگذارید و بدانید که به رغم کراحت و ناخشنودی کفار و مشرکان، خداوند نور خود را تمام خواهد کرد.

تفیه را از دست ندهید و از آتشی که جاهلیت به رهبری بنی امیه افروخته است، پرهیزید. من که ولی خدا هستم، سعادت پویندگان راه حق را تضمین می‌کنم. در این سال در ماه جمادی الاولی حوادثی اتفاق می‌افتد که باید از آن عبرت بگیرید. در آسمان علامت و نشانه‌ای ظاهر می‌شود که کاملاً روشن است (همه می‌فهمند که این، آیت آسمانی است) و نیز نشانه‌ای در زمین همانند و مساوی آن پیدا خواهد شد. [ممکن است مساوی بودن آیت آسمان و زمینی، از لحاظ این باشد که هر دو از آیات الهی و غیبی‌اند]. در مشرق زمین حادثه‌ای به وجود می‌آید که موجب حزن و اندوه و اضطراب است. پس از آن، گروهی، از امت اسلامی که در واقع با اسلام بیگانه هستند، بر عراق مستولی خواهند شد و در نتیجه اعمال

## کلام مهدوی

بد آنها وضع زندگی و ارزاق مردم سخت می شود. آنگاه با هلاک شدن طاغوت آن زمان، بندگان با تقوای خوشحال می شوند و راه حجّ خانه خدا بر اهله گشوده می شود و به آسانی حجّ می کنند و امر مردم طبق مراد و خواسته آنها منظم خواهد شد. پس سعی کنید اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهانی که موجبات نارضایتی ما را فراهم نماید، بترسید و دوری کنید.

امر قیام ما با اجازه خداوند به طور ناگهانی انجام خواهد شد و دیگر در آن هنگام توبه فایده‌ای ندارد و سودی نمی بخشد. عدم التزام به دستور ما موجب می شود که بدون توبه از دنیا بروند و دیگر ندامت و پیشمانی نفعی نخواهد داشت. خداوند شما را با الهامات غیبی خود ارشاد و توفیقات خویش را در سایه رحمت بی پایانش نصیب شما بفرماید».

\* \* \*

توقيع دیگر حضرت بقیة الله(ع) به افتخار شیخ مفید(ره)  
«هذا كتابنا إليك أيها الأخ الولي والمخلص في وطننا الصافى، وَ  
الناصر لنا الوفى، حرسك الله بعينيه التى لا تنام، فاحتفظ به ولا  
تُظهر على خطنا الذى سطرناه بما له ضمناه أحداً، وَأَدْ ما فيهِ

إِلَيْ مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَأَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

این نامه‌ای است به برادر راست‌گو و درستکار و دوست مخلص ما، کسی که در یاری ما کوتاهی نکرده و وفا را رعایت کرده است. خداوند تو را با دید قدرتش که هرگز به خواب نمی‌رود، محافظت فرماید.

[ای برادر با اخلاص] آنچه ما به تو نوشته‌ایم باید مستور و پوشیده باشد و به غیر از آنان که به جهت ایمانی که به ما دارند و مورد اعتماد ما هستند و سخنان ما موجب آسایش و آرامش خاطر آنها می‌شود، فرد دیگری نباید از مضمون این نامه آگاه گردد. به همه دوستان ما سفارش کن که به محتوای فرمان ما با عنایت خداوند عمل کنند».

همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند وجود مقدس امام زمان(ع) همه جا صحبت از عمل کردن به وظایف و بنده‌گی خداوند می‌فرمایند.

\* \* \*

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

توقيع مبارك امام زمان، عجل الله تعالى فرجه، به افتخار  
شيخ مفید(ره)

«ورَدَ عَلَيْهِ كِتَابٌ آخَرٌ مِنْ قَبْلِهِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، يَوْمَ الْخَمِيسِ  
الثَالِثِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَةِ سَنَةً اثْتَنِي عَشَرَةً وَأَرْبَعِمَائَةً.  
مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ إِلَى مُلْهِمِ الْحَقِّ وَ دَلِيلِهِ؛  
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرِ لِلْحَقِّ، الدَّاعِي  
إِلَى كَلِمَةِ الصُّدُقِ، فَانَا نَحْمَدُ اللَّهَ إِلَيْكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُنَا وَ  
إِلَهُ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ وَ نَسَالُهُ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّنَا وَ سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا  
مُحَمَّدٌ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. وَ بَعْدَ  
فَقَدْ كُنَّا نَظَرْنَا مُنَاجَاتَكَ عَصْمَكَ اللَّهُ بِالسَّبِيبِ الَّذِي وَهَبَهُ لَكَ مِنْ  
أُولِيَّاً إِلَيْهِ وَ حَرَسَكَ مِنْ كَنْدِ أَعْدَائِهِ وَ شَفَعَنَا ذَلِكَ الْآنَ مِنْ مُسْتَقْرَرٍ  
لَنَا يُنْصَبُ فِي شِمْرَاخِ مِنْ بَهْمَاءِ صِرْنَا إِلَيْهِ آنِفًا مِنْ غَمَالِلَ الْجَاءِ  
إِلَيْهِ السَّبَارِيَّتُ مِنَ الْأَيْمَانِ وَ يُوْشَكُ أَنْ يَكُونُ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى  
صَاحِصٍ مِنْ غَيْرِ بُعْدِ مِنَ الدَّهْرِ وَ لَا تَطَاوِلُ مِنَ الزَّمَانِ.

وَيَا تَيْكَ بَنَا بِمَا يَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنْ  
الزُّلْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَ اللَّهُ مُوْفِقُكَ لِذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ، فَلَتَكُنْ حَرَسَكَ  
اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَسْأَمُ أَنْ تُقَابِلَ بِذَلِكَ فِيهِ تُبَسِّلُ تُقْوِسُ قَوْمٌ  
حَرَثَتْ بِاطِلًا لَا سِرْزَهَابِ الْمُبْطِلِينَ وَ تَبْتَهِجُ لِدِمَارِهَا الْمُؤْمِنُونَ  
وَ يَخْرَنُ لِذَلِكَ الْمُجْرِمُونَ وَ آيَةُ حَرَكَتْنَا مِنْ هَذِهِ الْلُّوْثَةِ حَادِثَةٌ  
بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسِ مُنَافِقٍ مُذَمِّمٍ مُسْتَحِلٍ لِلَّدَمِ الْمُحَرَّمِ

يَعْمَدُ بِكَيْنِيهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَتَلْغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ  
وَالْعُذْوَانِ لِأَنَّا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُخْجِبُ عَنْ  
مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلَيَطْمَئِنَّ بِذَلِكَ مِنْ أُولِيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَيَنْقُوا  
بِالْكِفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَأَيْتُهُمْ بِهِمِ الْخُطُوبُ وَالْعَاقِبَةُ لِجَمِيلٍ صُنْعُ اللَّهِ  
سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا أَعْنَاهُ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ.  
وَنَخْنُ نَعْهُدُ إِلَيْكَ أَيَّهَا الْوَلِيِّ الْمُخْلِصُ الْمُجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ،  
إِيَّاكَ اللَّهُ بِنُصْرَةِ الَّذِي أَيَّدَ بِهِ السَّلْفَ مِنْ أُولِيَّ أَنْفُسِهِمْ الصَّالِحِينَ، أَنَّهُ  
مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ أَخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَخَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحْقُّهُ  
كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظِلَّةِ وَمِنْهَا الْمُظْلَمَةُ الْمُضِلَّةُ وَمَنْ بَخْلَ  
مِنْهُمْ بِمَا أَعْارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمْرَهُ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ  
خَاسِرًا بِذَلِكَ لَاْلَهَ وَآخِرَتِهِ. وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهِمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ  
عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأْخَرَ عَنْهُمْ  
الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعْجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ  
وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمُ إِلَّا مَا يَتَصَلُّ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ  
وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ، وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَ  
صَلَواتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ.  
وَكُتِبَ فِي غُرَّةِ شَوَّالٍ مِنْ سَنَةِ اثْتَنِي عَشَرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةٍ<sup>۱</sup>

در تاریخ پنجشنبه بیست و سوم ذی حجه الحرام

سال ۴۱۲ هجری قمری، فرمان دیگری از پیشگاه مقدس

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸، ط بیروت.

## کلام مهدوی

امام عصر(ره) به افتخار شیخ مفید، اعلیٰ الله مقامه، شرف  
صدور یافت که اینک متن و ترجمة فرمان مزبور از نظر  
خوانندگان گرامی می‌گذرد:

این نامه‌ای است از سوی بندۀ خدا و آن کسی که  
پیوسته در راه او در حرکت است و هیچ گاه از مسیر  
حق منحرف نمی‌شود، به کسی که از حق الهام می‌گیرد  
و خود دلیل و راهنمای حق است».

به نام خداوند بخشاینده مهربان. سلام و درود ما بر  
تو که یار و یاور حق هستی و پیوسته مردم را به راستی  
و پیروی از کلمه صدق [شاید منظور حضرت از کلمه  
صدق، توحید و پیروی از قرآن کریم و امامت اهل بیت  
باشد] راهنمایی و دعوت می‌نمایی.

ما در مورد نعمت وجود و توفیقات تو، پروردگار یکتا  
را که خداوند ما و پدران ماست، سپاسگزاریم و حمد  
و ثنای خود را نسبت به ذات پاکش عرضه می‌داریم و  
از پیشگاه مقدسش مسئلت داریم که بر پیامبر و سید و  
مولای ما که خاتم پیامران است و بر خاندان پاک و  
مطهر او درود فرستد.

ای شیخ مفید! مناجات تو (توجهات تو به ساحت  
قدس خداوند) را دیدیم. خداوند در سایهٔ موهبتی که

در ارتباط با اولیاءاش به تو عنایت فرموده است از تو  
حراست و نگهبانی فرماید واز شر دشمنان در امان باشی و  
شفاعت ما را در برآوردن حوایج شما بپذیرد و هم اکنون  
در جایگاه و خیمه‌ای در قله‌های کوه – که البته بر مردم  
پوشیده است – برای حوایج شما دعا می‌کنم. همچنین در  
بیابان‌های تاریک و ظلمانی و صحراء‌های خشک و بی‌آب  
و علف که دست تطاول زمان بدان نمی‌رسد، برای شما  
دعا می‌کنم.

به همین زودی از این محل به دشت همواری که چندان  
از آبادی دور نباشد، فرود می‌آییم و از حالات آینده خود  
آگاهت می‌سازم و بدان وسیله باخبر می‌شوی که به سبب  
کارهای خوب، نزد ما مقرّب باشی و خداوند در سایه  
رحمت خود تو را به این اعمال موفق داشته است. پس  
ای شیخ مفید! که خداوند به وسیله چشم عنایت خویش  
که هرگز آن را خواب فرانگیزد، نگهداریت کند، باید  
در مقابل باطل و طرفداران آنان که جان مردم را به خطر  
انداخته‌اند، مقاومت کنی تا پیروان باطل را بترسانی و  
بیهوده کاران را نیز به وحشت بیندازی و در نتیجه، اهل  
ایمان از مخدول شدن آنان خوشحال می‌شوند و تبه کاران  
غمناک می‌گردند و نشانه خانه‌نشینی ما جنبشی است که

## کلام مهدوی

در سایه حادثه‌ای در مکه معظمه و به دست شخص پلید  
و دور وی روی خواهد داد که خونریزی را مباح دانسته،  
با کید و نیرنگ خویش آهنگ جان مؤمنان می‌نماید، اما  
به هدف ظالمانه خود نخواهد رسید، زیرا همواره دعای  
ما شامل حال اهل ایمان خواهد بود و خداوند آسمان و  
زمین، اجابت آن را به تأخیر نخواهد انداخت.

پس دل‌های دوستان و اولیای ما باید به آن اطمینان  
داشته باشد و بدانند که از آسیب و زیان آن دشمن  
در امانت خواهند بود، اگر چه درگیری‌ها و سختی‌های  
هولناک آنها را بترساند و باید بدانند که خداوند کفايت  
کننده امور آنها است و تا وقتی که شیعیان ما از گناهان  
دوری می‌کنند، از عنایات او برخوردارند.

ای دوست مخلص و ای کسی که با ستمگران در راه  
ما مبارزه می‌کنی! خداوند بزرگ آن چنان که دوستان  
صالح ما را در گذشته یاری فرمود، تو را نیز با نصرت  
خود تأیید فرماید. ما با شما عهد می‌کنیم که هر کسی  
از برادران دینی شما (شیعیان) که تقوا را سرمایه خویش  
قرار دهد، از فتنه‌های گمراه کننده ظلمت خیز در امان  
خواهد بود (مانند فتنه‌های زمان خودمان) و اگر کسی بر  
خلاف وظیفه رفتار کرده، از آنچه باید عمل کند، بخل